

# ترکمن های افغانستان در آینه سیاست

از حکومت موقت تا ختم  
جمهوریت



مؤلف: فضل الدین حاجی زاده  
سال: ۱۴۰۳ ه. ش

ay-kitap.com



ay-kitap.com



# ترکمن های افغانستان در آینه سیاست

از حکومت موقت تا ختم  
جمهوریت



سال: ۱۴۰۳. ش

مولف: فضل الدین حاجی زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

## بیوگرافی نویسنده

فضل الدین متخلص به «حاجی زاده» فرزند حاجی محمد جمعه در سال 1371 خورشیدی در شهر مزارشریف به دنیا آمد. وی بعد از تکمیل سن قانونی بخاطر آموختن علم و دانش شامل لیسه‌ی ابومسلم می‌شود و تعلیمات دوره‌ی دبستان را در لیسه‌ی مذکور فرا می‌گیرد، بعداً به لیسه عالی قاضی حمیدالدین نقل مکان مینماید و دوره دبستان را در لیسه مذکور در سال 1390 خورشیدی موفقانه به پایه اکمال رسانیده سند فراغت از صنف دوازدهم را به دست می‌آورد. موصوف در پهلوی مکتب شامل آموزشگاه عالی آذرخش مزار شریف میشود و لسان انگلیسی و برنامه‌ها و پرگرام‌های کمپیوتر را در آموزشگاه مذکور تا به مراحل عالی فرا میگیرد.

محترم حاجی‌زاده به آزمون کانکور سال 1390 خورشیدی اشتراک نموده و با کسب نمرات عالی به دانشکده‌ی شرعیات دانشگاه ولایت پنجشیر راه میابد. موصوف در سال نخست دانشجویی خویش توانست که عضویت ( رقابت های محکمه ی تمثیلی حقوق بین الملل فلیپ سی جیسپ ) را کسب نماید. و در همان سال در میان دانشجویان 9 دانشگاه توانست که مقام سوم را، از آن خود نموده، ، قابل ذکر است که موصوف مدت چهار سال متواتر ( 2013، 2014، 2015 و 2016 ) میلادی از طرف دانشکده ی شرعیات دانشگاه ولایت پنجشیر به محکمه‌ی تمثیلی حقوق بین الملل اشتراک ورزیده و در سال آخر تحصیلی توانست که در رقابت تمثیلی حقوق بین الملل در شهر واشنگتن کشور امریکا باشمار ی از دانشجویان دانشگاه های مختلف کشور اشتراک نموده و در میان دانشجویان 132 دانشگاه 90 کشور جهان مقام خوبی را کسب

نموده اند، قابل یاد آوری است که فضل الدین حاجی زاده به مدت یک سال در دانشگاه پنجشیر تدریس نموده است .

سرانجام محترم حاجی زاده در سال 1394 خورشیدی دوره ی تعلیمات تخصصی دانشگاه را موفقانه به پایه ی اکمال رسانیده سند فراغت از دوره ی لیسانس را به دست می آرد. موصوف همان سال به صفت رئیس جوانان شورای ( ترکمن برلشیک ) برگزیده میشود و به مدت یک سال و شش ماه ایفای وظیفه نموده و به فعالیت های خود ادامه میدهد ، حاجی زاده بعدا در محکمه استیناف ولایت جوزجان به حیث کارمند برگزیده میشود وی برای مدت یک سال به فامیل قضا خدمت نموده بعدا برای کاندیدا شدن در ولسی جرگه از ولایت بلخ وظیفه محوله را استعفا می نمیاید و برای کارزار های انتخاباتی در بلخ میپردازد وی برای موفق شدن در این فرایند زیاد می کوشد اما بخت یاری نمیکند و در نتایج اعلان شده انتخاباتی در رده بالا قرار داشت.

حاجی زاده برای ادامه دوره کارشناسی ارشد ( ماستری) در رشته حقوق جزا و جرم شناسی وارد دانشگاه بین المللی المصطفی ایران واحد کابل می شود و با نمرات عالی کارشناسی ارشد اش را به اتمام میرساند، وی در پهلویی تحصیل و کار به فعالیت های رسانه ای به عنوان تحلیل گر وارد صحنه می شود.

فضل الدین حاجی زاده در شورایی عالی مصالحه ملی ج.ا.ا در مورد مشاورین ایفای وظیفه نموده و به عنوان معاون مالی و اداری مرکز تحقیقات زبان تاریخ و فرهنگ ترکان افغانستان ایفای وظیفه نموده و حالا هم به عنوان استاد در سازمان الپا در دانشگاه آنلاین مصروف تدریس می باشد.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده.....	ه
مقدمه .....	ز

### فصل اول

کیستی ترکمن ها .....	1
پیشینه تاریخی ترکمن ها.....	1
تبار شناسی ترکمن ها.....	7
صنعت ترکمن ها .....	9
قالین ترکمن ها و گسترش اقتصاد ملی.....	12

### فصل دوم

ترکمن ها در پرتو سیاست و جامعه.....	16
چالش های سیاسی و اجتماعی ترکمن ها در افغانستان.....	16
موانع سهم گیری های سیاسی و اجتماعی ترکمن ها در افغانستان .....	23
تبعیض خون ما را خواهد مکید.....	28

30.....	سرکوب ترکمن ها.....
32.....	نا برابری اجتماعی .....
39.....	عوامل موانع اجتماعی ترکمن ها .....

## فصل سوم

41.....	نقش ترکمن ها در مشارکت سیاسی و احزاب .....
41.....	نقش قوم ترکمن در مشارکت سیاسی در افغانستان.....
44.....	حزب جمعیت .....
49.....	حزب جنبش .....
53.....	حزب اسلامی .....
59.....	امید ها و تحول در آینده سیاسی ترکمن ها.....
62 .....	نتیجه گیری .....
64.....	منابع و مآخذ.....

## چکیده

این موضوع یک موضوع طولی و مغلق است که از جنبه های متفاوت، با دیدگاه و برداشت مختلف چالشهای سیاسی ترکمن ها را مورد بررسی قرار دهیم، اما نمیتوان به گونه مفصل به پیشینه تاریخی ترکمن، حضور ترکمن ها در افغانستان، حکومت ها و امپراطوری هایی که در جهان ایجاد کرده اند، بحث شود تا این پدیده روشن شود که ترکمن ها از چه مدنیتهای در منطقه بر خوردار است. یکی از موضوعات پیچیده چند محوری و انکارناپذیری که موجود انسانی عمدتاً به اقتضای زیست اجتماعی خویش از اولین لحظه ورود به این عالم تا آخرین دقایق عمر خویش همچنان در دالان آن زیست میکند، فرایند موسوم به جامعه پذیری است. مواردی که با هدف شگوفاسازی و سهم گیری همه جانبه برای پرتو سرمایه ها و دست آوردهای فرهنگی و اصول همدیگر پذیری و همچنان مشارکت برای یک هدف مهم همه جانبه به وقوع بپیوندد و ایجاد یک فضای امن همه شمول به منظور آماده سازی افراد برای ایفای نقش های ارایه شده تأمین انتظارات اجتماعی طراحی شده تمام اینها حاصل یک فرهنگ همه شمول است. اینجا هدف از مشارکت سیاسی همان سهم گیری تمام اتباع یک کشور و یا یک دولت است، که در آن زیست دارند. اما با تأسف از سالیان مدیدی به این طرف در افغانستان مشارکت رنگ دیگری را به خود گرفته است .

در این کتاب تلاش بر این است که به گونه کوتاه روی چالش های سیاسی ترکمن، مشارکت سیاسی آنها در دوران حامدکرزی و اشرف غنی به عنوان ترکمن های افغانستان در آینده سیاست بحث شود. در حقیقت تا حال در باره



ترکمن های افغانستان در آئینه سیاست در کشور هیچ تحقیقی صورت نگرفته است و این تحقیق بر آن است که چالش های سیاسی ترکمن های افغانستان از جنبه های سیاسی و اجتماعی دوران حکومت های حامد کرزی و اشرف غنی را مورد بررسی قرار دهیم.

در این رساله کوشش شده تا در باره کیستی ترکمن های افغانستان در آئینه سیاست، و جایگاه آنها در فرایندهای سیاسی و برخورد های سلیقه ای، تبعیض آمیز با ترکمن ها و پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی بحث شود.

## مقدمه

به گواه تاریخ، در این مرز و بوم ملت های زیادی شکل گرفتند، ملت هایی با مشخصه های مخصوص که رهنمایی نسل های بعدی باشند. اما بدون اینکه به بعضی از موارد در قالب ملت ها بیندیشیم یک موارد معلول پیش می آید که ملتها فاقد شکل گیری خرد جمعی، آگاهی اجتماعی و ضعف مدیریت ملت ها یا حکومت ها عنوان کرد. فقط برگه هایی از تاریخ به مثابه گزارشگران نسبی هویت، آداب و سنن، عقاید و باورها، فتوحات و شکست ها و فرهنگ آنان، باقی مانده اند. سیاست و حکومت سازی مرهون شکل گیری حکومت فرا گیر و منسجم لازم بر همه شمول بودن و تداوم شکل گیری حکومت دارد. در صورت همه شمول بودن و فراگیری اجتماعی و سیاسی امری است که ملت های مرفع شکل میگیرد. ترکمن های افغانستان در همه امور در دوران حکومت ها در کنار اقوام دیگر صادقانه برای تداوم و انسجام و ملت سازی تلاش به خرچ داده اند، امری که شکل گیری و وجود یک حکومت را در کنار ملت منسجم ضروری میسازد.

اما چه مواردی دامنگیر این همه انسجام و تلاش صادقانه ترکمن های افغانستان در بحبویه سیاسی و اجتماعی در فضای امن سیاسی قربانی هدف های شوم احزاب و اقوام با هم برادر شده است بیشتر روی این موضوع در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت.

مامورین دولت موظف به حفظ استقلال و نظم کشور اند، به مثابه بازیگر اصلی عرصه اجتماعی مسئول حفظ موجودیت ملت و تکامل و استمرار فراگرد ملت

سازی اند؛ امری که به نوعی در حکمرانی عینیت می یابد؛ بدین معنا که حکومت، به مثابه نهاد رهبر، در کنار سایر نهاد های اجتماعی نظیر بازار و سایر وجوه جامعه مدنی، متولی حفظ موجودیت ملت و تداوم بخش و تسهیل گر تکامل فراگرد ملت سازی است.

قوم ترکمن با در نظر داشت بازی های سیاسی و سرکوبی از سوی دیگر اقوام و تبعیض نژادی و قومی تا به حال مشارکت مشخصی در سهم گیری در تشکیلات دولت نداشته و این مسئله از زمان های زیادی به این سو روان بوده است. با آن هم مشارکت این مردم برای رفاه جامعه و دولت سازی سهم مستقیم و غیر مستقیمی را ایفا نموده است که نفوس زیادی را متشکل کرده است، با آن هم بر مبنای مختلف در مشارکت های سیاسی سهم مشخص را داشته و همیشه از آدرس دیگر اقوام به مشارکت سیاسی پرداخته شده است.

در این پژوهش سعی گردیده با بررسی جامع قوم ترکمن و نقش و جایگاه آن ها را در مشارکت های سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و سعی گردیده عمده ترین عوامل عقب مانده گی آن ها مورد بررسی و تفسیر قرار گیرد. از اینرو، میتوان گفت که این تحقیق درصدد آن است که با رصد الزامات ملت سازی در پرتو رهنمودهای رویکرد حکمرانی خوب، راهکارهایی را برای بازتولید احیای هویت ملی و اجتماعی و چالش های سیاسی که ترکمن های افغانستان مواجه بوده اند، بیان خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** مشارکت، سیاست، دولت، قوم ترکمن، چالشهای سیاسی

## فصل اول

### کیستی ترکمن‌ها

#### الف: پیشینه تاریخی ترکمن‌ها

در حوزه‌هایی که ترکمن‌ها در آن زیست دارند، بیشتر مناطق سواحلی رود خانه آمو است. در حدود سه هزار سال قبل جمعیت عظیمی از دامداران نیمه اسکان و صحرا نوردان شمال و شرق ورود به شمال غرب را آغاز کردند و حتی بخش‌هایی از آنها تا ایران کنونی نیز نفوذ نمودند. این اقوام صحرا نورد که از شمال وارد ماوارالنهر و خراسان شده بودند «اغوزخان» نامیده می‌شدند. این نام از نام جد افسانوی ترکمنها «اوغوزخان» گرفته شده است. اوغوز، اغوز یا غز کنفدراسیون یا مجموعه مردمان ترک است که ترکان اولیه را توصیف میکند. اغوزخان نخست در مغولستان داخلی (در شمال چین و جنوب جمهوری مغولستان واقع است (ترکستان) سکونت داشتند و در کتیبه‌های اورخون متعلق به قرن هشتم میلادی، ذکر ایشان در مغولستان رفته است. اغزان مزبور را ترک محسوب داشته‌اند، نه ترکمان. ترکمانها را به این نام، فقط در جانب

مغرب یاد کرده اند. در گذشته، ترکمن نام عمومی بسیاری از اقوام ترکتبار به ویژه اقوام اغوز مسلمان کوچ نشین بود و نه صرفاً قومی که امروزه ترکمن نامیده میشود. ترکمن شامل طوایفی بود که در شرق دریای خزر از رود جیحون تا شمال خراسان و رود گرگان سکونت اختیار نموده بودند.

در قرن ششم غزها از متحد شدن همه قبایل صحرانشین ساکن چین تا دریای سیاه، امپراطوری واحدی را تشکیل دادند؛ که بنام «گوک ترکها» یاد میشدند. پس از اضمحلال این امپراتوری به دین اسلام مشرف گردیده از دیگر ترکان جدا شدند.

واژه های ترکمن و ترکمان در گذشته به تمامی قبایل ترکتبار اغوز به ویژه طایفه های کوچ نشین و مسلمان گفته میشد که به همین مفهوم تا امروز این گروه قومی را ترکمن مینامند. ترکمنهای کنونی شاخه ای از همان ترکمنها قدیم میباشند که در بسیاری منابع ذکر گردیده است.

جدا شدن ترکمنها از اضمحلال امپراطوری گوک تترکها و آغاز مسلمان شدن ترکها است. ترکمنها در زمان سلجوقیان قوت گرفتند. این ملیت از قرن هشتم تا دهم میلادی هویت قومی خود را از جمله ترکان آسیای مرکزی وبالخصوص اقوام ۲۴ گانه اغوز تثبیت کردند. به شهادت تاریخ، اولین دسته ترکهای که اسلام را پذیرفتند و بعداً اقوام مختلف وقبایل دیگر ترک و ساکنین ترکستان وآسیای مرکزی را نیز به اسلام دعوت کردند و با تشکیل امپراطوری بزرگ سلجوقیان که خود را ازطایفه قنیق ترکمن میدانستند، وارد خراسان ازجمله مرزهای افغانستان کنونی گردیده تا امروز درکشور کثیرالملیت افغانستان زندگی میکنند.

باید گفت ترکمنها مؤسسين امپراتوريهاي بزرگ جهان، چه در قالب اتحاديه مردمان اوراسيا، زماني که در سيبيريای جنوبي، و شمالي زندگي ميکردند؛ و همزمان تحت نام اوغوز کشور ايران، ترکیه و قفقاز را تحت کنترل داشتند. اين گروه قومي مؤسس امپراتوريهاي قره خانيان (افراسياب) دولت مقتدر سلجوقيان، خوارزمشاهيان، امپراتوري عثمانيها، دولت مقتدر آق قويونلي و قراقويونلي، سلطان نشينهاي دهلي، مملوکهاي ترکمني (ايگپت) مصر امروزي، غزنويان و افشاريان، تاريخ ساز بودند<sup>1</sup>.

ترکمن ها آهسته آهسته با کشاورزان بومي درآميخته و بخشي از آنها در اين منطقه اسکان گزين شدند. اجداد ترکمنها در زمان هاي قديم نه تنها در مناطق ياد شده زيست ميکردند، بلکه در مرغزاران گسترده آسيای مرکزي و شرقي ميزيستند. اين سرزمين از طرف مشرق به کوه هاي خنگان و ديوار کبير چين و از طرف غرب به بحيره خزر متصل بود و سرزمين مغلستان در شمال آن قرار داشت. برای اينکه تاريخ سياسي ترکمن ها را در طول سده ها به برسي بگيريم. لازم است تا نظر کوتاهي به گذشته هاي دور بياندازيم، اجداد و نياکان ترکمنها در حدود نه قرن قبل از ميلاد در نواحي هاي شمال مغولستان، جنوب سايبيريا، قسمت شرقي ترکستان و شمال بحيره خزر ميزيستند. از ميان قبايل ترکي بيشتر از همه هونها يا هيونگ نوها، کوشاني ها يفتليها و ترک ها، اغوز ها و بازماندگان شان نقش بزرگي را در تاريخ بازي کرده و امپراتوريهاي بزرگي را ايجاد کرده است.

---

<sup>1</sup> - اميني، محمدکاظم، (1395). تاريخ ميمنه. انتشارات آزاد ميمنه، صص ۲۳ و ۳۳.

از دیدگاه و بررسی اسناد تاریخی در ادوار گذشته در صحرایی وسیع آسیای مرکزی و میانه، طوایف ترک زبان زندگی کرده اند که به گروه های مختلف و طایفه های بزرگتری تقسیم شده و به هر یک از آنها اسم مستقل اطلاق می شده است. بطوری که از اسناد تاریخی مشخص میشود، از میان طوایف ترک آن دسته که نام قدیمی خود را حفظ نموده و بعد ها تا درچه یک ملت رشد نموده اند می توان از قرقیزها، اویغورها، سپس ترکمنها و باشقرت ها نام برد. <sup>۲</sup>در باره کیستی ترکمنها قابل ذکر است که در تورات بنی اسرائیل نگاشته شده است که حضرت نوح پیغمبر علیه السلام دارای سه پسر بود به نام های: حام، سام و یافث.

نوح علیه السلام زمین را از جنوب تا شمال سه قسمت کرد، حصه اول را به نام حام که پدر سودان بود و حصه دوم را به سام که پدر اعراب و فارس بود بخشید و حصه سوم را به یافث که پدر اتراک بود اهدا نمود. و یافث را به جانب مشرق فرستاد و وی در شمال شرق آسیا متوطن گردیده، امرار حیات مینمود.

بنابر نوشته مورخین قدیم از یافث پسرانی به نام های ترک، خضر، سقلاب، روس، منگ، چین، کماری و تاریخ به جهان آمد. هنگامی که یافث وفات مینمود، پسر بزرگ اش را جانشین خود نمود و فرزندان خود را چنین نصیحت نمود که ترک را پادشاه بزرگ خود و از اوامر و سخنان او اطاعت کنند.

در حقیقت ترک یک شخص عاقل، مدبر و صاحب اخلاق نیکو بود. بنابراین ترک خان پس از اینکه به جای پدر مینشیند از سرزمین های دور و بر خویش

---

۲- ایشچی، عبدالمجید. (1378). ترکمن های افغانستان، ص ۳۳

دیدن نموده، بلاخره یک موضوع خوش آب و هوا و زیبا را که امروز موسوم به ایسیخ کول میباشد، برای بود و باش خود انتخاب نموده و خرگاهی در آن محل برپا کرد. به عقیده راویان ترکمن، اولین کسیکه، یورت، یا خرگاه را به وجود آورده، ترک خان بوده است. ترک خان هم چهار پسر داشت به نام های: توتک، چگل برسجار و املاق، بعد از فوت ترک خان، توتک خان، بر جایش مینشیند، وی هم شخص مدبر، عاقل و صاحب دولت بود.<sup>۳</sup>

ابوالغازی بهادر خان مولف، شجره ترکمه، توتک خان را معاصر کیومرث میدانند. به گفته وی برای اولین بار توتک خان استفاده از نمک طعام را برای مردم یاد داده است. بنابراین روایت هنگامی که توتک خان در سیر و سیاحت به جای میرسد که زمین آن شوره زار بود. در وقت خوردن گوشت توته از دست وی به زمین می افتد، وقتی توتک خان گوشت را پاک کرده میخورد، احساس میکند که گوشت نسبت به گذشته لذیذ تر شده است و به این ترتیب، وی اولین بار نمک را تشخیص داد و در پختن غذا از آن استفاده مینماید. پس از درگذشت توتک خان، بولجه خان، به جای وی مینشیند، و این بولجه خان را پسری بود نام او، دیب یا قوی بود، معنای دیب موضوع سخت و جای منصب میباشد و یا قوی یعنی بزرگ جمهور قوم، و این پسر به شوکت و اسباب پادشاهی زیادت از پدر بوده و چهار پسر داشت: قراخان، اورخان، کز خان، و گور خان و مجموع آن قوم کافر بودند. قرا خان قایم مقام پدر شد و او را پسر بوجود آمد و سه شبانه روز پستان مادر نمی ستد... آن بچه یکساله به آواز آمد و گفت نام من را اغوز نهید.

---

<sup>۳</sup> - راسخ، محمدصالح. (1394). تاریخ و فرهنگ ترکمنها. چاپ سوم، انتشارات ص 13/12 /11/6



بنابر نگارش مولفین بعد از ،دیپ یا قوی خان ، پسرش ، کوک خان، و پس از وی ،النجه خان، به سلطنت رسید و وی نیز دو پسر داشت به نام های: مغول خان و تاتار خان که مملکت وسیع خویش را بین این دو پسر تقسیم میکند . پس از وفات النجه خان، مغول خان در قلمرو خود و تاتار خان نیز در موضوع معین خویش فرمانروایی کرده اند. و مغول خان چهار پسر داشته به نام های : قرا خان، کز خان، کرخان، و اورخان، بود اما مولف جامع التواریخ، قرا خان و برادران وی را پسران دیپ یا قوی ذکر میکند و از کوک خان و النجه خان، مغول خان و تاتار خان ذکری به میان نمی آورد

## ب: تبار شناسی ترکمن

ترکمنها از نژاد زرد و یکی از اقوام ترک زبانان افغانستان میباشند. تعداد زیاد این ملیت در شمال و شمال غربی افغانستان حیات بسر میبرند. طور دقیق در هشت ولایت ۳۴ ولسوالی زندگی میکنند. زبان ترکمنی از جمله زبانهای ترکتبار از شاخه اغوز غربی نزدیک به زبان اوزبیکی و قزاق است. ترکمنها مسلمان سنی مذهب و پیرو مذهب حنفی هستند. این ملیت با وجودی که امپراطوریهای بیشمار را گذرانده اند، ولی عمدتاً تا اوایل قرن بیستم کوچ نشین در آسیای مرکزی بودند. پس از آن به مرور زمان ده نشین و شهرنشین شدند. آنهایی که در افغانستان زندگی داشتند، طرز زندگی آنان مانند سایر اتباع کشور بود. ترکمنهای کنونی افغانستان از عهد قدیم در صحراهای وسیع بخش سفلی رود سیحون و بین بحیره ارال طور عایله و قبیله وار زندگی داشتند. این ملیت زمانی کشوری را بنام مرو داشتند؛ که وسعت بیشتر از ترکمنستان امروزی داشت.<sup>۴</sup> اکثریت ترکمنها در نواحی شهرهای ولایت فاریاب، جوزجان، سرپل، قندز، و شورتیپه ولایت بلخ، ولسوالی های قرقین و خمآب و آقچه ولایت جوزجان و در ولسوالی های قندوز از قرنهای متمادی زندگی داشتند، و عده محدودی از ترکمنهای افغانستان در زمان حکومت بلشویکها، که اکثراً مبارزین آزادی طلب ترکمنستان بودند، به ولایات شمالی افغانستان و هرات مهاجرت نموده، در این ولایات زندگی میکنند. ترکمنها بزرگان خود را خان بای ویا باشی میگویند. این گروه قومی به خاطر این که فرزندان اغوز خان هستند، خویشرا خان زاده گان اقوام ترک می‌شمارند. مردمان

---

<sup>۴</sup> سیرت، سیاوش، نقش ترکتباران (ترکمن ها) در مشارکت سیاسی افغانستان. ص، ۳، ۴.

این ملیت مؤدب، صادق در حفاظت ناموس خود و دیگران از شهرت زیاد برخوردار هستند. به همین لحاظ دولتهای سابق محافظ زن و اولاد خود ترکمنها را ترجیح میدادند. در افغانستان ۶ شاخه عمده ترکمنها زندگی دارند که هر شاخه زمانی صاحب قدرت و از خود تاریخ جداگانه دارد. زنان این ملیت در صنعت قالین بافی کلاً چین، انواع دستار، نمد از شهرت خوب برخوردار میباشند. ترکمنها اکثراً مسلمان سنی مذهب اند، ولی عده در دره ترکمن ولایت پروان شیعه مذهب استند. به گمان اغلب این ترکمنها از سپاه هزاره در زمان تولای خان پسر چنگیز خان بوده اند. تولای خان حاکم سرزمین ایران خانم خیلی زیبا از شیعه مذهب داشت. وی در حمله بر بامیان پدر را کمک نمود. پس از تخریب شهر غلغله بامیان متعلق به تولای خان گردید. خانم وی آنچه مردم و سپاهی که داشت مسلمان و شیعه مذهب گردانید<sup>5</sup>. با آمدن اسلام در خراسان، ترکمنها اولتر از دیگر اقوام ترک تبار به اسلام رو آوردند و از آن بعد به خاطر اشاعه و ترویج دین مبین اسلام به بزرگترین مبلغین و ترویج کنندگان دین در ترکستان و آسیای مرکزی تبدیل شدند<sup>6</sup>.

---

<sup>5</sup> سیرت، سیاوش، نقش ترک تباران (ترکمن ها) در مشارکت سیاسی افغانستان. ص، 4، 5.  
<sup>6</sup> دولت آبادی، (1371). نشرات پژوهاک صص 134-2.

### ج: صنعت ترکمن‌ها

سال‌های متمادی ترکمن‌ها برای رشد اقتصاد کشور نقش عظیمی داشته اند، و اکنون هم این ملت زحمتکش در قسمت تولید نعم مادی رول اساسی را بازی کرده است، ترکمن‌های افغانستان برای گسترش صنعت قالین و در کنار این در پیشه زراعت و بخاطر توسعه اقتصادی و انکشاف عواید ملی تلاش به خرج داده است. برخی از دانشمندان نگاشته اند که ترکمن‌های افغانستان در حدود چهل میلیون گوسفند را دارا میباشند که نود در صد پوست قره قل کشور را تولید مینمایند. که این امر اهمیت بزرگی در اقتصاد کشور دارد و از سوی دیگر ترکمنها از نگاه بافتن قالین و در عرضه دیگر منسوجات مهم حایز اهمیت فراوان بوده و تجارت قالین و پوست قره قل نیز اکثرا در دست تجار این ملیت صورت میگیرفت که نقش اقتصادی این رشته ها در مجموع برای تامین منابع عایداتی کشور برارنده بوده است.

ترکمنها از قدیم الایام در انواع گوناگون پیشه و صنایع دستی بلدیت کامل داشته اند. این کسبها و پیشه ها از نسلی به نسلی دیگر انتقال کرده و در آنها انگیزه های فلکوری و هنری زیادی به مشاهده میرسد که بسیاری از آنها از ژرفای قرون متمادی سرچشمه میگیرند. از زمانهای بسیار در فلزکاری، به ویژه آهنگری و زرگری از شایع ترین پیشه ها به شمار رفته و اکنون نیز در بین ترکمنها رواج فراوان دارد.

ترکمنها اشخاصی که در پیشه های مختلف وارد بوده و توانایی ساختن اشیای مختلف را در عرصه های گوناگون دارند، به نام ،اوستا، مینامند. چرم سازی و

نجاری نیز از قدیم از پیشه های شایع ترکمنها بوده است. در میان ترکمنها گاهی هر قبیله و طایفه در صنعت معین متخصص بودند و اکنون نیز از این متخصصین در برخی از مناطق ترکمن نشین هنوز هم اقوامی بنامهای، زرگرلر، جوازبانلر، دراقچیلار به مفهوم شانه سازان، آراباچیلار، به معنی ارابه سازان و غیره به نام کسب و کار شان نامیده میشود.

در زمان معاصر اکثرا ترکمنها به مالداری، زراعت، قالین بافی و دیگر صنایع دستی و تجارت مشغول اند. اکنون ترکمنها در مناطق مختلف کشور به کار های گوناگون اشتغال دارند. مثلا ترکمنهای اندخوی، آقچه، و دولت آباد فاریاب و شبرغان بیشتر به تربیه مواشی قالین بافی و تجارت مشغول اند. بخاطر اینکه در این مناطق زمینهای زراعتی کمتر بوده و مشکل آبیاری زمینها به نسبت قلت آب پراہلیم جدی است. برعکس ترکمنهایی که در مناطق قندوز، پلخمیری، تخار، شورته، قرقین، خماب، کلداری، مروچاق و غیره مسکون هستند، مالداری و تجارت کسب اساسی ترکمنها را تشکیل میدهد. ترکمنهایی که در شهرها و یا در نزدیکی شهر ها امرار حیات مینمایند، اکثرا به پیشه های مختلف از قبیل: زرگری، آهنگری، چرمگری، قالین بافی، و به ویژه به تجارت مشغول اند.

در نزد ترکمنها اقسام مختلف صنایع دستی از قدیم مروج بوده است. این صنایع بیشتر به طبقه اناث منسوب بوده و به دست آنها تولید میشده است. مثلا پارچه بافی و تولید منسوجات نخی و ابریشمی و پشمی، قالین بافی، نمد مالی، گلیم بافی، زردوزی و گلدوزی اکثرا به دست زنها انجام میشود. صنعت گلدوزی در بین ترکمنها سنت دیرینه دارد. معمولا یخن، آستین و دامن لباسهای زنانه، عرقچین های بچه گانه و مردانه، دستمال های ملی، چپنها کلاه ها با

گلدوزیهای پر نقش و نگار ترین میگردید و اکنون نیز این سنت ها ادامه دارد. گلدوزی های ترکمنی هنوز نیز جهت زینت دادن پیرهن های زنانه، چپنهای زنانه کیف های زنانه و غیره مورد استفاده قرار میگیرد. زیبایی صنعت های کهن ترکمن (مثلا قالین و گلدوزی) در رنگ آمیزی و ترکیب رنگهای تیره و روشن به نحوی است که گویی از درون آسمان سبز روشن ستاره های درخشان میدرخشد. در قلم کاری های روی نقره و طلا و گاه نقش و نگار های آب طلا کاری، استا، های ترکمنی اسنان را به حیرت می اندازد. این استا ها از جواهرات، طلا، و نقره: دست بند ها، گوشواره ها، گل سینه ها، گلو بند ها، انگشتر ها و سایر زینت آلات زنانه را با کمال هنرمندی و ظرافت تولید مینمایند.

قابل تذکر است که ترکمنها بخصوص در ساختن اسباب و آلات اسب از قبیل: زین، رکاب، و سایر لوازم اسب از قدیم الایام استعداد شایان توجهی داشته اند. اشیای بسیار ظریف و هنرمندانه از اجداد قدیمی ترکمنها از قبیل هونها، یفتلیها، ترکها، اوغوز ها و دیگران توسط باستان شناسان یافت شده است که از هنر شگفت این مردم حکایت میکند. اکنون اسباب و آلاتی که از زیر زمین از عصر هونها و دیگر قبایل قدیمی ترک بدست آمده، اکثرا سامان و لوازم اسب بوده است. و در عرصه صنعت خدمات بیشتری انجام داده اند.<sup>7</sup>

---

<sup>7</sup> راسخ، محمدصالح، 13394. تاریخ و فرهنگ ترکمنها. ص 16/15

## د: قالین ترکمنی و گسترش اقتصاد ملی

به هر حال در زمان معاصر یکی از صنایع بسیار معروفی که نام ترکمنها را به جهان شناسانده است و به نام ترکمن عجین گردیده، صنعت قالین بافی و گلیم بافی این مردم است. چون اجداد ترکمنها به حالت صحرا نوردی و کوچگری زندگی داشتند، و برای آنها سامان و لوازم و مفروشات بکار بود که آنرا به آسانترین طریق از یکجا به جای دیگر انتقال داده بتوانند. بنأ آنها از قدیم به بافتن قالین و گلیم مهارت پیدا کرده اند و هنر خویش را در این پیشه از خود تبارز داده اند. قالین بافی یکی از پیشه های اساسی و صنایع ملی ترکمنها بوده است بنأ ما در این جا در مورد این صنعت دستی ترکمنها کمی مفصل تر مکث مینمایم.

قالین بافی از هنر های قدیمی خلق ترکمن و یکی از افتخارات ملی و فرهنگی آنان میباشد. صنعت قالین بافی ترکمن تاریخچه طولانی دارد. صنعت قالین در ابتدا زاده احتیاج بوده و به غرض رفع مشکلات بوجود آمده است. اساسا تولید قالین را به اقوام کوچی و سوار کار ترکی مربوط میدانند، زیرا بشر در آن زمان محتاج به وسیله ای بوده که از یک طرف سبب دفاع از رطوبت و از جانب دیگر موجب رفع گرمی و سردی بوده و گذشته از آن سهل الانتقال باشد. یعنی سریع مورد استعمال قرار گرفته بتواند. از اینرو شرط اساسی تولید قالین را رمه داری و داشتن پشم کافی و مردمی که قابلیت بافتن را داشته باشد، میدانند.

اگر چه معلوم نیست که صنعت قالین بافی اولین بار در کدام منطقه و یا محل بوجود آمده و کدام شخص یا قوم در کدام زمان این صنعت را به میان آورده

است، زیرا در باره این صنعت کدام سند قدیمی موثق وجود ندارد. اما اینقدر میتوان گفت که در نتیجه مساعی خسته گی ناپذیر باستان شناسان این حقایق مشخص گردیده که نخستین قالینها در آسیای مرکزی بافته شده است. در اثر همین کوشش ها بود در سال 1945 میلادی باستان شناس روسی به نام ، رودنکو، در اثر کاوش ها توانست که از کوه های التای در دره پالیاریک در جنوب سایبیریا در نزدیکی شهر ،بیجسک، آثار قالین باستانی را کشف کند.

این آثار از کاوش پنج مقبره که در آن جمله قبر یک شهزاده ترکی نیز شامل بود، و در قرن پنجم قبل از میلاد میزیست، بدست آمد. این پارچه قالین با نقاشی های مزین بوده و با قالین های امروزی ترکمنها شباهت زیادی دارد و این بیانگر آنست که صنعت قالین بافی در آن عصر انکشاف شایانی نموده بود. بزرگی این پارچه قالین کشف شده دو متر مربع بوده و در هر یک متر مربع آن (36000) گره زده شده است. برخی از پارچه های دیگر نیز یافت شده که مربوط به سده 3\_6 میلادی است. این قالین ها از شرق ترکمنستان یافت شده و دارای نقاشی های زیبا بوده، رنگ سرخ و آبی در آن بیشتر کار شده است.

آثار فوق الذکر نشان میدهد که صنعت قالین بافی از زمانه های خیلی قدیم در قسمتهای مرکزی آسیا پیدا شده به ویژه در سده دوازدهم میلادی انکشاف زیاد کرده است، زیرا چراگاه های این منطقه از زمانه های قدیم برای پرورش حیوانات و تولید پشم مساعد بوده است. در یکی از آثار سیاح معروف ،مارکوپولو، که در قرن سیزده میلادی میزیست مطالبی در این زمینه دیده میشود. وی در فصل 21 کتاب خود چنین نگاشته است: میدانید در اینجا قالین های بسیار نفیس و زیبا تهیه میشود که قابل تحسین است.



اگر بپذیریم که در دوران مارکوپولو در میان ملیت ترکمن چنین قالین های نفیس و زیبا موجود بوده، باید برای فرآورده های قالین، تاریخچه طولانی تری مربوط به دوران قبل از میلاد را میتوان تخمین زد. چرا که قالین محصول انبوهی از کار، خلاقیت و هنر نسل های زیاد دختران و زنان بوده است.

قالین بافی از نسلی به نسلی دیگر و طی قرون متمادی ظرافت هرچه بیشتری به خود گرفته و متکامل تر شده است. تکامل و رشد تکنیک قالین بافی و مهارت در ترسیم نقش قالین، ظرافت رنگ آمیزی و همچنین قدامت آن قالین را در بین صنایع دستی خلق ترکمن را متمایز نموده است. در قالین و فراورده های آن ویژه گی صنعت دکوراسیون مردم ترکمن صورت واضح روشن است و هنرمندانه کار گرفته شده است. در هنر قالین بافی تاریخ خلق ترکمن، ذوق هنری، زیبایی با ظرافت خاص بازتاب یافته است.

قالینهای ترکمنی از زمانه های دور تا به حال توجه محققان و دانشمندان و کلکسیونرهای علاقه مند را خوب جلب نموده و هنوز هم از شهرت خاصی برخوردار است. در مورد قالین ترکمنی بعد از مارکوپولو هم معلومات زیادی جمع آوری شده است. متأسفانه در اکثر کشور های اروپایی و آسیایی قالین های ترکمنی به نام، قالینهای بخارایی معرفی شده است. این فکر و نامگذاری نا درست از آنجا ناشی شده که در سده های گذشته سوداگران قالین، قالین های ترکمنی را برای فروش به بازار های بخارا ( وقتی بخارا مرکز مهم اقتصادی، تجارتي و فرهنگی آسیای میانه بود) میبردند و بخاطریکه این قالین ها را سوداگران از بخارا خریداری میکردند ، بنا آنها را بنام ، بخارایی، معرفی مینمودند. علت دیگر هم این است که عده ای از ترکمنها در محدوده قلمرو

حاکمیت خانهای بخارا و خیوه زندگی میکردند و به قالین بافی مشغول بودند و فراورده های آنها در بازار های بخارا و خیوه به فروش میرسید.

فراورده های صنعت قالین بافی ترکمن عبارتند از: قالین، قالینچه، جوال، خورجین، توبره (برای نگهداری لباس و وسایل دیگر از آن استفاده میشود) پوش زین، بکس و غیره است. با این فراورده ها شتر، اسب ها را تزین میکردند. از آنها همچنین برای تزین الاچیقها ( قراویها ) و مجالس عروسی استفاده میشد.

عموما قالین و فراورده های آن مربوط دوران عشیره ای و قبیله ای ترکمنها میباشد. لذا در نامگذاری قالینها و فراورده های آن از اسامی تیره ها و عشایر ترکمنهای آن عهد استفاده میشد. در حال حاضر اکثرا اسامی قالینها و فراورده های آن از دوران قدیم پا برجا مانده است. از سوی دیگر، اکنون قالینهای ترکمنی از جهت محل تولید نیز نامگذاری شده است، مثلا: قالین مور ( مرو ) قالین آقچه ای، اندخویی، دولت آبادی، آلتی بولکی و خواجه روشنایی و غیره.

## فصل دوم

### ترکمن ها در پرتو سیاست و جامعه

#### الف: چالش های سیاسی و اجتماعی ترکمن ها در افغانستان

قبل از آغاز بحث روی چالش های سیاسی و اجتماعی ترکمن ها بپردازیم، بهتر خواهد بود برای تفهیم بیشتر به تعریف سیاست از نظر دانشمندان علوم سیاسی بپردازیم، سیاست یعنی هدف و آرمان های که یک طبقه اجتماعی در مبارزه برای تامین و حفظ منافع خود تعقیب می کند. ثانیاً روش ها و شیوه های که به کمک آنها این منافع حفظ شده یا به کرسی نشانده میشود. مهمترین متشکله سیاست در درجه اول عبارت است از امور مربوط به شرکت در کار ها و مسائل دولتی راه و رسم حکومت و کشور داری، تعیین اشکال وظایف و محتوی فعالیت دولت است.

به عباره دیگر مقوله سیاست در درجه اول به مقوله دولت پیوستگی دارد. سیاست طبق تعریف لینن بیان متبلور و متمرکز اقتصاد است تغییر و تکامل عقاید نظریات سیاسی و موسسات و نهاد های سیاسی و همچنین هدف گاه و

شیوه گاه سیاسی بر شالوده تغییر و رشد اقتصادی جامعه صورت میگیرد و سیاست به هیچ وجه منفعل و غیر فعال نیست نهاد ها و اندیشه های سیاسی که خود بر شالوده اقتصادی پدید میگردند. و به نوبه خویش تاثیر جدی بر تکامل اقتصادی میگذارند. لینن نقش فعال سیاسی را خاطر نشان ساخت و همیشه تصریح میکرد که در مقابل همه مسائل اقتصادی سازمانی و اداری و غیره باید موضوع سیاسی داشت. معمولاً سیاست به دو قسم تقسیم میشود سیاست داخلی و سیاست خارجی. مناسبات بین طبقات و بین ملت ها در داخل یک کشور جزئی از سیاست داخلی است. مناسبات بین دولتها و بین خلق ها در صحنه بین المللی جزئی از سیاست خارجی است.<sup>۸</sup> حالا یک بحثی میکنیم در مورد سیاست داخلی افغانستان و چالش های سیاسی ترکمن ها در حکومت حامد کرزی و اشرف غنی و برخورد تبعیضانه در قبال اقوام ترکمن.

زلمی خلیل زاد در کتاب خود تحت عنوان «فرستاده» در زمان ماموریت خود در افغانستان در باره ترکمن ها و اقلیت ها چنین بیان داشته. به هزاره ها همیشه شغل های سخت و پست میدادند در ارتش سربازان هزاره را در منازل افسران نظام به خدمت کاری می گماردند. هزاره ها در مدرسه من هم بودند و من می دیدم که برای پیشرفت محدودیت هایی دارند. البته در مورد ازبیکها و ترکمن ها و دیگر اقلیت های قومی، نیز با درجه ای کمتر وضع بر همین منوال بود. ازبک ها و ترکمن ها در دشت های شمال هر چقدر هم که مال و منال داشتند، در کابل به چشم آدمهای احمق به آنها نگاه می شد. در ارتش و

---

6 - نیک آذین، امیر، <sup>۸</sup> واژه نامه سیاسی اجتماعی/ ص. 122.

سیاست بالاترین درجات انحصاراً به پشتونها و تاجیکها تعلق داشت.<sup>9</sup> اصل دموکراسی و برابری در افغانستان وجود نداشته است و ترکمن ها را به چشم حقارت می دیدند، اما ترکمن ها در حقیقت صاحب مال و منوط بودند که بیشتر در تجارت قالین و کشاورزی مصروف بودند. « سیاست کشور از دید خلیل زاد هم یک سیاست قومی و سمتی بوده است و ترکمن ها هم در فرایند های سیاسی کشور سهمیم نبودن اگر بودن هم برای مدت کوتاهی سمبولیک قرار داشته اند.

ما ترکمن ها قرن هاست که در این سرزمین زیسته ایم، و حکومت در مورد سیاست داخلی و حقوق شهروندی همیشه ناکام بوده و به حق این قوم جفایی بزرگ روا داشته است. ما همواره در روز های خوب و دشوار با سایر اقوام برادر همراه بوده و به همه آنان الفت و محبت داشته ایم؛ در همه گونه خدمات در راه سرفرازی ملت افغانستان سهم خود را ادا کرده و باز هم ادا میکنیم؛ با آنها، با دریغ مورد بی لطفی قرار گرفته ایم؛ برای نمونه، با سرازیر شدن ملیارد ها دالر به کشور، این مردم حق دار هرگز به نان و نوایی نرسیدند. توقع جوی آب را که نداشتند ، جویچه یی هم نصیب شان نگردید. نه تنها از سرک اسفالت خبری نشد، حتا یک سرک هم برای شان جغل اندازی نگردید. هرگز زمامداران کلاه خود را پیش خود قاضی نساختند و از خود نپرسیدند که چرا در حق این مردم میهن دوست و پرکار، این همه جفا روا داشته شده است. آنان خوب میدانند که در درازای دو سه سده اخیر در مناطقی که ترکمن ها زندگی دارند، حتا، حد اکثر به ارزش 20 میلیون دالر، جهت رهایی این مردم از نابسامانی

---

<sup>9</sup>، زلمی، خلیل زاد،(1395). فرستاده. ص ۵۴ .

های گوناگون هزینه نگردیده است. و نیز آنان به چشم سر دیده اند که از مجموعه کمک های خارجی یک و نیم دهه گذشته، به این مردم صلح دوست هرگز چنان مبلغ نا چیز هم اختصاص نیافت، که بتواند یکی از درد های اجتماعی آنان در درمان کند.

اگر کسی این حقیقت آشکار را نمی پذیرد ( این گز است و این میدان). هزارن خانواده ترکمن، در اثر تخریب بستر دریای آمو، خانه و کاشانه خود را، که نسل به نسل برای شان به میراث رسیده بود و ده ها و هزاران جریب زمین زراعتی خود را، که از راه آن مایحتاج زندگی خود را تامین میکردند، از دست دادند و به بدبختی های فاجعه بار انسانی رو به رو گردیدند؛ مگر کسی هرگز به آنها اندک توجهی هم نکرد. از انکشاف متوازن و از مقرری کادر های جوان بر مبنای قانون و عدالت اجتماعی حاجت به باز کردن سخن نیست، که هرگز در کشور ما چنین معیار هایی در نظر گرفته نشده است و در آینده نیز اگر ، زیر کاسه نیم کاسه باشد، عملی نخواهد گردید. حتا ما شاهد آنیم، با وجود آنکه ماده 16 قانون اساسی کشور صراحت دارد،... در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبانهای اوزبکی، ترکمنی، پشه یی ، نورستانی، بلوچی و یا پامیری تکلم مینمایند آنها علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی میباشد و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم میگردد.

آیا از زمان تصویب آن تا به حال در رابطه به نحوه تطبیق این ماده کدام قانون و یا مقرر به تصویب رسیده است و یا کدام مبلغی در زمینه تطبیق این ماده قانون اساسی اختصاص یافته است؟ که ما باورمند تطبیق قانون در کشور

باشیم! ۱۰ و در مناطقی که ترکمن ها سکونت دارند به تحصیل و تعلیم تربیه نمیتواند دسترسی پیدا کنند چون در حکومت های حامد کرزی و اشرف غنی بیشتر اراضی افغانستان که ترکمن نشین بودند هیچ توجهی صورت نمی گرفت حتی در اوایل حکومت حامد کرزی مکتب وجود نداشت اگر هم مکتبی وجود داشت توجه به مکاتب نبود. قابل ذکر است که در دوران اشرف غنی بیشتر مناطق ترکمن نشین نا امن و در جنگ بسر میبرد. در این قسمت نه دولت و نه رهبران که از آدرس ترکمن ها نماینده گی میکنند توجه داشتند. در ضمن ویرانی های مادی جنگ را میتوان تلافی کرد؛ اما آنچه را که مردم ما در نتیجه بحران های امنیتی چهار دهه گذشته در حیات معنوی خود از دست داده اند، به سادگی اعاده نمیشود. دشمنی با مکتب و معارف عصری ریشه در تاریخ جامعه ما دارد. دشمنان مردم ما همواره از جهالت، نادانی و عقب ماندگی ذهنی افراد این کشور استفاده کرده اند. مقابله با تجدد خواهی امان الله خان، سوزاندن ساختمان صدها مکتب در اکثر نقاط مملکت و قتل استادان و معلمان از سوی مجاهدینی که در برابر حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان می جنگیدند، هیچ توجیه قانع کننده ای جز استفاده از جهالت افراد جامعه توسط دشمنان توسعه و سعادت مردم افغانستان ندارد. آنچه در سال های اخیر خیلی امید وار کننده به نظر میرسد، تغییر مثبت ذهنیت عامه نسبت به آموزش و تحصیل در لایه های مختلف جامعه است. ۱۷ سال پیش، پس از سقوط رژیم طالبان جهش عجیبی در مناطق مختلف کشور برای آموزش و تحصیل به مشاهده رسید. در مناطق دور از مراکز شهر ها نیز مردم از حکومت میخواستند

---

۱۰ - قرقین، نورمحمد. سزاوار این نبودیم. ص ۳۱/ ۲۳

تا مناطق شان برای آموزش پسران و دختران آنها مکاتب جدید تأسیس کند. در آن سالها صدها مکتب ایجاد شد و هزاران دانش آموز به این مرکز های آموزشی شامل شدند.

فعالیت روز افزون مکتب های خصوصی و کورس های آموزشی در مراکز شهر ها نیز نشانه خوب شیفتگی مردم به امر آموزش فرزندان شان شمرده میشود. ما در ساحه معارف کشور گواه یک عقبگرد تحمیلی ناشی از جنگ بودیم. دشمنان مردم ما که آتش جنگ نیابتی را در کشور بر افروخته اند و از ایجاد افغانستان قوی و با ثبات هراس دارند، برای ضربه زدن به معارف و نظام تعلیمی و تحصیلی کشور تلاش میکنند.

متأسفانه باز هم جهالت و نادانی جنگجویانی که به حمایت دشمنان خارجی افغانستان در برابر مردم ما میجنگند مانند گذشته به اهمیت این مسأله آگاه نیستند و خود در تطبیق برنامه های شوم باداران شان پیشقدم اند. دولت افغانستان و حامیان بین المللی آن به این مسأله باید توجه داشته باشند که پیروزی جنگ در برابر تروریستان و گروه های متحجر و عقبگرد در جامعه نیاز به حمایت آگاهانه اجتماعی دارد و آگاهی اجتماعی فقط از طریق آموزش افراد اجتماع در مکاتب و آموزشگاه ها میسر خواهد بود. ما در کشور جنگ زده خود برای سال های دراز به حمایت اساسی از معارف نیاز داریم و راه نجات کشور از عقب ماندگی و رسیدن به توسعه از دهلیز های مکاتب، آموزشگاه ها و دانشگاه ها میگذرد. دولت ما وظیفه دارد که نه تنها در کل کشور زمینه فعالیت مکتب ها و دانشگاه ها را مهیا کند، بلکه نیاز است تا در کار ارتقای کیفیت



آموزش مطابق به مطالبات عصر و زمان و تطبیق نصاب های مدرن تعلیمی و تحصیلی نیز توجه داشته باشد.

## ب: موانع سهم گیری سیاسی ترکمن های افغانستان

آینده سیاسی ترکمن ها در این گرداب بازی های سیاسی (انتخابات پارلمانی، انتخابات ریاست جمهوری) مربوط میشود. به انتخاب اشخاص و افراد مدبر و تحصیل یافته و تخصص میباشد تا بتواند از هویت و حق و حقوق شان دفاع نماید؛ اما ترکمن های افغانستان از سهم گیری های سیاسی دور هستند و بودند و سهم گیری های اجتماعی نیز به دور رفتند. عوامل مختلف باعث شده که ترکمن ها سهم گیری سیاسی نداشته باشند، چند علل آن عبارت اند از:

1. تعصب و جاه طلبی اقوام دیگر نسبت به ترکمنها
  2. رهبران، رهبری را در قوم ترکمن تک ساختن در این راستا هیچ یکی از افراد و اشخاصی را در به وجود آمدن به صحنه سیاسی و قدرت توسط خود ترکمن ها موانع ایجاد می نمود تا یک ترکمن با خرد کافی سیاسی به میدان درآید.
  3. تحمیل اوزبیک ها به عنوان ترک تبار هیچ گاهی برای ترکمن ها در سیاست جای پا نگذاشتند و خود اوزبیک ها سهم دار همه چیز بودن به عنوان ترک تبار اما این یک جفایی بزرگ برای قوم ترکمن بود.
- یکی از دلایلی که افغانستان را دور از ترقی و پیشرفت های سیاسی، نظامی، اجتماعی، علمی دور نگهداشته و سبب گسترش ایده ها و نظریات قومگرایی، فرد گرایی، شخص گرایی و سمتگرایی گردیده، و دلیل واضح برای اختلافات

مذهبی، زبانی و نژادی در کشور گردیده، موانع بزرگی میان وحدت و همبستگی اقوام و تامین منافع علیای کشور در تمامی بعد ها گردیده، حامی و دیوار سنگی مستحکمی از مردم و آیدیولوژی های قهرمان پرست و قهرمان ساز افسانوی و تخیلی قومی میان اقوام مختلف موجود در افغانستان شده است، همانا داشتن عقیده ها و باورمندی های غیر معقول و غیر مشروع گردانندگان سیاست و مجریان قدرت و جاه طلبان فاشیست سیاسی، امتیاز خواهان قومی تک تاز و متعصب، و برخورد های نا عادلانه، تصامیم غیر منطقی، غیر انسانی غیر اسلامی مدیریت مریض و ناسالم حاکمان دیروز افغانستان است.

حامد کرزی شخصیکه در دوران حاکمیت او 14 سال باران دالر در افغانستان بارید و بیشتر از چهل کشور جهان برای سرمایه گذاری و تامین امنیت لازم حمایت مالی و پولی در افغانستان کردند، تماما شرایط و امکانات سرمایه گذاری، پیشرفت های نظامی، سیاسی و اجتماعی بیشتر از هر زمانی مهیا و مساعد شده بود، نتوانست استفاده مؤثر و منطقی داشته باشد؛ بر عکس حکومت فاسد، نا امن، ناکام و بی کفایت از خود میراث گذاشت. باندهای مافیای ایجاد شد، دیدگاه ها در مورد ولایت های جنوب ثابت اما در مناطق ترکمن، اوزبیک و هزاره نشین در تفاوت بود، بعضا ولایت مثل جوزجان بنابر نبود اراده واقعی خدمت گذاری از فواید و مزایای بودجه عادی و انکشافی محروم قرار داده میشد. وزیران مؤقتی و کوتاه مدت ترکمن ها با اخذ تعهد نامه های وفاداری و حفظ راز های سیاسی و تاریخی دولت تعیین و تقرر میشد،<sup>11</sup>

---

11 سیرت، سیاوش، نقش ترکتاباران (ترکمن ها) در مشارکت سیاسی افغانستان.

ترکمن های کنونی به خصوص نسل جوان به خوبی نقطه ضعف های خود و جامعه شان درک کردند، جوانان تحصیل کرده ترکمن بعد از حکومت موقت به خوبی توانستند وارد فضای باز شوند و از سواد و تکنالوژی مدرن به وجه الزام خود را غنی بسازند. و طی سال های پسین تمام تلاش خود را متمرکز به یکی از این راه ها ساخته اند

کسانی بودند که تمرکز بیشتر را روی تجارت و صنعت قالین کردند که میتوان گفت در گسترش اقتصاد و تجارت کشور شان سهم فعال داشته اند.

1. کسانی بودند که با همه چالش های سیاسی و ناهنجاری ها توانستند که در داخل و خارج کشور تحصیل کنند و با داریت و ظرفیت کامل علمی کمر همت بخاطر گسترش علم و دانش و فرهنگ ببندند.

2. برای ترکمن مهم نبود که از کدام قوم استند و در چه سطح قومی در کشور قرار دارند کوشیدند همه باهم برای بالابردن سطح دانش و ارتقای اقتصاد جامعه بکوشند.

3. ترکمن های افغانستان کوشیدند با وجود اینکه در بطن بحران قرار داشتند، در کار زار های انتخاباتی اشتراک گسترده داشته باشند و زعیم ملی خود را انتخاب کنند.

4. امروز خوشبختانه بیشترین کدر های ماستر و دکتور را نسبت به سال های قبل قوم ترکمن در افغانستان دارد و در ادارات دولتی نسبتاً کمتر به چشم دیده میشود .



در همه برآیند های تحول پسین قوم ترکمن کوشیدن تا به بلوغ فکری رسیده از دانش و پرورش خوبی بر خوردار باشند و بتوانند مدنی تر از قبل در میان اقوام دیگر زندگی کنند ، اما شگاف های سیاسی و بحران های اجتماعی لحظه به لحظه به عقب میگذاشت و از رسیدن به بلوغ فکری و نفوذ در ادارات دولتی باز میداشت، مدیریت رهبران سنتی قوم ترکمن به عنوان نمایشی در کرسی های دولتی قابل استفاده قرار گرفتند و سد راه کدر های جوان به گونه های مختلف قرار گرفت، از اقوام که طی سال های اخیر به شدت مورد بی مهری و در معادلات سیاسی سهم کم رنگ داشته و سخت از حقوق شهروندی و تساوی حقوق در کشور محروم بوده قوم ترکمن بوده است. انزوای سیاسی فقر، محرومیت، تمرکز قدرت و دورافتادن از جغرافیای ارتباطات، از مهمترین نمونه های تاریخی ترکمن ها افغانستان است که چند دستگی افغانستان و فعالیت های تنظیمی و حزبی که رنگ قومی را به خود گرفته بود نتوانستند وارد دهلیز باز سیاسی شوند و از حقوق سیاسی بر خوردار باشند.

معامله سیاسی با مهره های سوخته و یا رهبرچه های سمبولیک ترکمن کار ساده ای بود که حامد کرزی و اشرف غنی به دوام قدرتش جان بخشیده، مهر سکوت بر دهان رهبرچه ها گذاشت تا دلیل حضور سمبولیک قوم ترکمن در بدنه حکومت باشد تا توده جوان و الیت های سیاسی ترکمن به دلیل حضور نداشتن شان جنبشی را بر پا کنند، ولی این سهم دادن ها از سر ناگزیری ها بود. حضور سمبولیک بعضی از رهبرچه ها در دوران حکومت کرزی و غنی هیچ دردی از قوم ترکمن را دوا نکرد بلکه به گونه مرموزی دلیل عقب گرد اجتماعی این قوم شد، به گونه مثال از تخریبات سواحل دریای آمو میتوان نام

برد که ترکمن های ولسوالی کلدرو شور تپه ولایت بلخ ولسوالی قرقرین ولایت جوزجان... از سال ها به این سو دریای آمو خانه، زمین های زراعتی این قوم را به باد فنا میبرد اما این حکومت های متعصب هیچ اقدام نداشته اند.

یک قدم به جلو فقر و محرومیت ترکمن های اندخوی که حتی آب آشامیدنی ندارند، از میلیارد ها دالر که به افغانستان سرازیر شده هیچ کمکی برای این مردم ستم دیده نشده چالش های ولسوالی های پنج گانه آقچه یکی از نمونه های دیگر از محرومیت قوم ترکمن است.

باز یک قدم به جلو استفاده ابزاری به عنوان تکت انتخاباتی بعضی از احزاب با حضور چند تن از مهره های ترکمن در پیکار های انتخاباتی با وعده های چرب اما پوچ و دور از تحقق یکی از چالش های بزرگ ترکمن های افغانستان بود. در نتیجه اگر دلایل و چرا های عقب افتدگی ترکمن های افغانستان را شگافته و تحلیل کنیم در می یابیم که بزرگ ترین دلیل این قوم قرار نداشتن تحت یک سقف اتحاد و وحدت بوده میتواند، از دید من دلیل این همه عقب گرد های سیاسی تکیه به سیاست مدارانی است که گفتیم سیاست مداران ما هرچه میکنند بکنند اما تاریخ همین گونه تحریر اش میکند.

### ج: تبعض خون ما را خواهد مکید.

قوم ترکمن همواره در مرض تبعیض قرار داشته است و از این ناحیه سخت ضربه دیده است، و اقوام دیگر همیشه این قوم را مظلوم جلوه داده استفاده سو می نمودند اما اینگار از گناه و فرموده رسول الله عاجز بودن. طبق فرموده رسول الله "ص" که در مورد تبعیض بیان داشته است: أبو داود أن النبی صلی الله علیه وسلم قال "لیس منا من دعا إلى عصبیة، أو من قاتل من أجل عصبیة، أو من مات من أجل عصبیة" وفي حدیث آخر قال صلی الله علیه وسلم محذراً من العصبیة "دعوها فإنها منتنة" ..رواه البخاری ومسلم<sup>12</sup>. چون می فرماید کسی که از روی تعصب بمیرد از آن من نیست، یعنی در هر مواردی از دست تعصب بمیرد از جمله من نیست. بی تردید اساسی ترین پایه عبودیت و بندگی خدا، تسلیم و تواضع در برابر حق است و به عکس، هرگونه تعصب و لجاجت، مایه دوری از حق و محروم شدن از سعادت الهی است. اما بخاطر قدرت و جاه طلبی چی بی عدالتی و تبعیض را در حق این قوم روا داشته اند.

برای از میان برداشتن بسیاری از دیگراندیشان ترکمن در گذشته، تا آن جای که می توانستند مبارزه کردند؛ ولی اکثر خود با ناکامی رو به رو شدند و در زمان خود موفق نشدند ریشه ستم را از بیخ و بن برکنند؛ اما، همان ها خط فکری ایجاد کردند. خط فکری که امروز شخصی نیست که به عنوان صادقترین فرد ادامه دهنده آن خط، قد علم کرده باشد.

---

<sup>12</sup> حدیث شریف

از این خط ضد تبعیض و تمامیت خواهی، نه تنها، ترکمن ها، که هزاره ها، افغان ها و تاجیک ها هم باید حمایت کنند. در این خط فکری حقوق تمام گروه های قومی ساکن در افغانستان، منظور شده است. این خط فکری براساس گروه قومی، تفسیر نمی شود. این خط براساس اسناد تاریخی و از همه مهمتر مفاهیم کلان انسانی که امروزه در تمام دنیا و نظام های دموکراتیک معمول و مرسوم است، بنا نهاده شده است. در این خط فکری حتی هموطنان عزیز، هندوتبار ما، نیز جایگاه انسانی و شهروندی خود را دارند. اگر نام افغانستان تبدیل به خراسان شود، در آن صورت همه گروه های قومی، به شمول اقلیت های دینی، خود را در آن آیینیه تمام قد، مشاهده خواهند کرد. حتی اگر پیشنهاد تبدیل نوع نظام فعلی به حکومت فدرالی بود، تطبیق شود، باز هم کشور یک قدم رو به جلو رفته است. به خصوص که در آن صورت امنیت و تأمین امنیت محلی می شود و امتیازها و خسارات هم محلی است و ایالتی می گردند



## د: سرکوب ترکمن ها

استبداد و سرکوب ترکمن ها از اوایل از طرف اقوام دیگر افغانستان به عنوان اقلیت قومی وجود داشت و همیشه توهین و تحقیر میشدند. و اوزبیک ها ترکمن ها را ترکتبار عنوان میکردند و می کنند و سهم بزرگ از جنبه های سیاسی اجتماعی از دونه ها به دست میاوردند در حکومت های حامد کرزی و اشرف غنی سهم بیشتری را اوزبیک ها از آدرس ترکتبار که گویا ترکمن ها هم ترکتبار اند، به دست می آوردند.

ما این را انکار می کنیم که ترکمن ها ترکتبار نیستند و سوال این است که مؤلفه های تعیین کننده ترک تبار بودن ترکمن ها چیست؟ کدام ها اند؟ اگر ادعا دارید که تاریخ مشترک و زبان مشترک با هم داریم، در یک کلام، بیاید و توضیح بدهند که از کدام تاریخ مشترک حرف می زنید. امپراطوری هایی که ترکمن ها در حوزه های سیاسی انجام داده اند و تاریخ سازی کرده اند، پس بهتر خواهد بود به پیدایش و پیشینه تاریخی ترکمن ها رجوع شود که از چه مدنیتهای در منطقه بر خوردارد بودن و روشن شود که وجه مشترک ترکتبار بودن ترکمن ها در کجا است و چرا ترکمن ها را تنها در جغرافیایی همچون افغانستان ترکتبار می نامید، چرا در کشور های دیگر مهر ترکتبار بودن برای ترکمن ها زده نشده است.

جای تاسف اینجاست که نمیتوانند حضور ترکمن ها را در سطوح بالاتر تحمل نمایند. بر این اساس از ترکمن ها به عنوان ابزار فزیکی استفاده میشود. ترکمن ها تنها ابزار فزیکی هستند که مورد استعمال حکومت ها و دولت ها قرار گرفته

است. و برای اوزبیک های افغانستان یک فرصت خوبی بود که از این واژه استفاده کرده، سهم ترکمن ها را به عنوان ترکتابار بلعیدند. دولت برای ترکمن ها حتا اجازه ایجاد یک حزب سیاسی نداده و تمام احزاب که توسط ترکمن ها ایجاد شده را فاقد صلاحیت های سیاسی دانست. دولت در کنار تمام موارد هنوز ترس از این دارد که ترکمن ها دوباره سر بلند نموده و به قدرت برسند و به آنها در آینده بلای جان شان شوند بر این اساس ها و ترکمن ها باید خود شان متوجه این موارد شده و با تلاش و سر سختی بتوانند قدرت گذشته را بدست بیاورند و جایگاه خویش را در جامعه پیدا نموده و حضور موثر داشته باشند<sup>۱۳</sup>

---

<sup>13</sup> سیرت، سیاوش، نقش ترکتاباران (ترکمن ها) در مشارکت سیاسی افغانستان. ص، 14، 15،

### ج : نا برابری اجتماعی

مساوات یا برابری افراد همیشه از آرمان ها و هدف های بشری بوده است. تا قبل از پیدایش مارکسیسم و هم اکنون نظریات گوناگون، برابری را به معنایی فقط مساوات در صوری همه افراد در مقابل قانون می دانند و به اساس مسئله یعنی عدم تساوی طبقاتی که زاینده همه نا برابری ها و بیداد گری هاست، توجه نمیکنند. مارکسیسم و لینینیسم تامین برابری واقعی را جز از راه الغای طبقات امکان پذیر نمیداند. تا وقتی تضاد طبقاتی، اختلاف طبقات و اصول طبقات موجود باشد، هر قدر هم قوانین همه جانبه تدوین شوند و افراد در مقابل آن مساوی اعلام گردند برابری واقعی به دست نخواهد آمد. تساوی گری (یا هموار طلبی ) به معنای آنکه تمام مردم از نظر مالکیت شخصی مساوی باشند نیز اساس مسئله را حل نمیکند<sup>۱۴</sup>.

در حقیقت ترکمن های افغانستان در زمان حکومت حامد کرزی و اشرف غنی مورد بی حرمتی بیشتر قرار گرفته اند، نظر به تعاریف فوق اصل برابری بین اقوام در افغانستان صورت نگرفته است. تعصبات قومی، نژادی و منطوقی دامنگیر این قوم بوده است. ترکمن های افغانستان به دلیل سهم بودن در رشد اقتصاد کشور باز هم به چشم اقلیت و حقارت دیده میشد و همیشه قربانی تبعیضات قومی بودند. در دوران حکومت اشرف غنی اصل پشتونیزم و تاجکیزم به اوج خود رسیده بود، صاحبان قدرت بیشتر پشتون ها و تاجک ها بودند و به این موضوع افتخار داشتند اما اقوام دیگر از این مسئله مبرا بودند.

---

<sup>14</sup>نیک آئین، واژه نامه سیاسی اجتماعی، ص 85

زلمی خلیل زاد در کتاب خود تحت عنوان «فرستاده» در زمان ماموریت خویش در افغانستان در مورد بی عدالتی و تبعیض جنسیتی و قومی چنین نگاشته است. زمانی که من به بی عدالتی های دور و بر خودم از یک منظر سیاسی تر نگاه میکردم، از سرعت اصلاحات شاه احساس نارضایتی میکردم. من از تبعیض جنسی ای که در افغانستان حاکم بود، آگاه بودم، اما تنها در کابل بود که به شکاف عمیق قومی کشور پی بردم. افغانستان چند قومیت اصلی و چند قومیت فرعی داشت که پشتونها و تاجیکها در میان آنها غالب بودند.<sup>۱۵</sup> این مسئله بر غالب بودن تبعیض قومی در جغرافیایی همچون افغانستان روایت دارد که در زمان حکومت حامد کرزی و اشرف غنی به اوج خود رسیده بود و ترکمن ها هم همیشه قربانی این پدیده میشدند.

در ضمن احزاب رول اساسی را در تعیین سرنوشت شهروندان بازی میکنند در اصل حزب عبارت است از یک سازمان سیاسی که در آن همفکران و طرفداران یک آرمان دوطلبانه بخاطر منافع یک طبقه یا اقشار اجتماعی متحد المنافع گرد هم میایند، بینانگر منافع آن طبقه یا قشر بوده و آن را در مبارزات اجتماعی رهبری می نمایند ۱۶.

احزاب سیاسی که خود را مدافع منافع ملی و حقوق شهروندان میدانستند و شعار های اصل برابری سر میدادند، در حقیقت عوام فریبی و دروغ محض بود. ازبیک ها، تاجک ها، پشتون ها، و اقوام دیگر احزابی برای قوم و یا قشر خویش ایجاد کرده بودند که همه مدافع حقوق فامیل و اقوام خویش بودند، حکومت

---

<sup>۱۵</sup>، زلمی خلیل زاد/۱۳۹۵، ص ۵۳ فرستاده

<sup>۱۶</sup> واژه نامه سیاسی اجتماعی/ امیر نیک آیین ص ۸۵/۸۶

هم توجه بهتر با پرداخت هزینه بیشتر روی رهبران احزاب داشتند. اما قوم ترکمن عاری از داشتن حزب قومی همانند اقوام دیگر محروم از هر نوع امتیازات سیاسی اجتماعی بودند و همه روزه تبعیض خون این ملیت را می مکید.

بیان اظهاراتی ناشی از تعصب و تبعیض است که ما ملت را به خطر، هم گسستی و تجزیه مواجه ساخته است. هر جامعه که حاکمان آن، برتری جویی قومی را با اشکال مختلف و حیل‌های رنگا رنگ به کار بندند، عاقبت اش تباهی است، همانگونه که بنابر روایات قرآنی فرعون و قومش به تباهی و نابودی رفتند. او نخستین کسی بود که تبعیض ورزید و به قول قرآن مجید مردمان را به گروه‌ها تقسیم کرد و قومی را به قومی رجحان بخشید و بر قومی ستم فراوان روا داشت. سرانجام کارش برپادی و سیاه رویی هر دو جهان بود. پایان کار هر فرمان روا و حاکمی که پایه قدرت را بر برتری جویی قومی و تفرقه افگندن میان اقوام بگذارد عاقبت اش همین است.

البته ما ترکمن‌های افغانستان هیچگونه گله و کدورتی نسبت به هیچ یکی از اقوام و ملیت‌های با هم برادر در این کشور ندایم؛ هر چند در دوره‌های پیش از دهه دموکراسی معروض به تبعیض‌هایی بودیم. اما امروز هم در کشور ما بسیاری از سیاست‌مداران از گرفتن نام ترکمن‌ها که پنجمین قوم کشور ما هستند ابا می‌ورزند و تلاش دارند تا نقش آنان را در تاریخ کشور نادیده بگیرند؛ اما به آنها می‌گوییم: ما از ترکمن بودن مان احساس غرور می‌کنیم. ما ترک‌تبار هم نیستیم. ما فرزندان آن خلقیم که زمانی پایتخت‌های با عظمت ما در غزنی و بلخ بر پا بود. ما فرزندان آن مردان با شهامتی هستیم که در پهنایی تاریخ بیشتر از هفتاد دولت راه اعم از امپراطوری‌ها، نظام‌های سلطنتی، امپرنشین

ها، نظام خان خانی و بیک نشینی در این گستره بزرگ تاسیس کرده اند؛ و فرزندان آن مردان با شهامتی هستیم که کشور زیبایی مانند افغانستان را به ما به میراث گذاشته اند. امپراطوری ها و سلسله های سلطنتی که ترکمن ها تاسیس کرده اند، خدمات بزرگی به این ملت در عرصه های گوناگون انجام داده اند. از سلطان محمود غزنوی تا سلطان سنجر، الپ ارسلان و ملک شاه و دیگر شاهنشاهان ترکمن پیشروان گسترش فرهنگ و تمدن خراسانی بوده اند. نه تنها از بزرگانی چون امام غزالی حمایت کرده اند بل که آزاد اندیشی چون حکیم عمر خیام نیز در دوره حکم روایی آنها با آزادی خاص فکری میزیستند. حضور صد ها دانشمند و ادیب و شاعر و فیلسوف و هنر مند در عهد فرمان روایی های ایشان در برگ های زرین تاریخ ثبت است. شهکارهای علمی، فلسفی، ادبی و هنری این دوره ها امروز هم مایه حیرت و تحسین همگان است. ۱۷

آنهايي که در افغانستان سهمی در قدرت دارند و خود را صاحب قدرت میدانند، عموماً توجه خویش را به سیاست خارجی افغانستان معطوف کرده اند و تلاش مینمایند که از طریق پیشبرد سیاست فعال خارجی ( البته به زعم خود شان) مشکل افغانستان را به نفع شخصی، گروهی و قومی شان حل و فصل نمایند. اکثراً با برقراری ارتباط با سردمداران کشورهای خارجی، سفارت خانه ها مقیم کابل، تلاش میورزند تا بنابر برداشت های شان منافع شخصی و بعضاً منافع قومی شان را تضمین نمایند. حتا دیده شده که یک کارمند عادی یک سفارت خانه ( در سطح سکرتر ) نیز توانسته است شخصیت های کشور مان را به تار

---

<sup>17</sup> قرقین، نورمحمد. سزاوار این نبودیم. ص 30/31

خام بسته کند، و چنانکه آرزو دارد او را مصروف نگاه دارد، در حالیکه برای کشور های جنگ زده جهان سوم از جمله افغانستان در پهلوی تعقیب یک سیاست خارجی، که بر مبنای منافع ملی کشور استوار باشد، مساله داخلی و مردم آن مهم تر میباشد؛ زیرا مردم افغانستان و اقوام با هم برادر هستند که جان های شیرین شان را بخاطر وطن فدا میکنند و خون شان را می ریزند.

آنها اند که هر آنچه را که لازم است به منظور دفاع از وطن و منافع افغانستان، شکل دهند. بدبختانه اندک ترین توجهی به مردم افغانستان و اقوام با هم برادر صورت نگرفت و راه حل های جستجو نشد که آنان چه از نگاه حقوق شهروندی و چه از نگاه هویت قومی و ملی خود را در امن و برابر با یک دیگر احساس کنند. هم اکنون هیچ گونه تضمین معیشتی، شغلی و حتا امنیتی ندارند و زندگی شان با گذشت زمان بد تر و بدتر شده میرود.<sup>18</sup>

البته نظام و حکومت داری افغانستان با تعصبات قومی گره خورده و همین مرض سرطان را مخالف پیشرفت ها و شایسته سالاری در جغرافیای همچون افغانستان شده از سنت گرای، زور گوی گرفته تا قومندان پروری مناطق. ایجاد و پرورش این همه امراض در کشور توسط بعضی از فاشیست ها که حلقه غلامی را زیب گردن شان دانسته اند پرورش می شوند. و به عنوان این و آن وارد روند سیاسی کشور شده، بحران ایجاد میکنند در حقیقت بادران شان حرفی از قانون مداری میزنند اما این را قبول نمیکنند که نخستین ناقص قانون خود ایشان اند. هوس های تعصبی ایشان را و امیدار تا بازیچه دست هوس های بی بنیاد و مغرض بیگانه گان شوند. بحث اینجا است که چرا سردمداران و

---

<sup>18</sup> سزاوار این نبودیم/ نور محمد قرقین/ ص 24

رهبران کشور اسلامیت و انسانیت را جاگزین تعصبات قومی نمیکنند در اصل دین اسلام که نماد از رستگاری و پیروزی است و اسلام درس همدیگر پذیری و از خود گزری می آموزد در اولویت کار های اجتماعی و سیاسی خود قرار نمیدهند چرا بخاطر انسانیت مبارزه نمیکنند و نمیکنیم تا بتوانیم انسانیت را حقیقت بخشیم. ۱۹

امروز نظامی که زور را آسانترین و بی درد سر ترین وسیله برای تحقق اهداف میداند، این را باید ازعان کرد که در قانون شفاهی ما زور صاحب حق است و در عرف اجتماعی ما سیاست به معنی قهر و غلبه استعمال میشود. اگر کسی فلان شخص را مورد خشم قرار دهد میگویند (سیاست) کرد، اگر طرف اصلاح طلب باشد میگویند که انقلابی است، در مطالعه تاریخ در جغرافیایی چون افغانستان بیشتر صفحات تاریخ به زور مندان تخصیص یافته است.

در کشمکش های سیاسی همین که دیدیم کفه ترازو یکطرفه شد، در کنار پیروز می ایستیم و برایش شعار میدهیم و گلو پاره میکنیم، همان طوریکه در بازی های ورزشی کف میزنیم، این چه سر زمین عجایب و غرایب است» در اینجا انسان با انسان در جنگ است و حیوان با حیوان، جنگی که اشکال و صورت های مختلفی به خود میگیرد. ظاهر پرستی عادت مان شده، از ملک و خان و ارباب بت میسازیم، اگر در حزب سیاسی باشیم از زعیم و اگر در جبهه جنگ باشیم هر قدر فرمانده ما وحشی و زور گو و دیوانه بود مورد احترام قرار میدهیم.



در این سر زمین افتخار به اصل و نسب عادت دیگر ما است. اگر ستاره هر حزب و ارگان هتلی درخشیدن گرفت، نسب خود را به او منسوب می‌دهیم. بینظمی خصوصیت دیگر ما است، ما در هیچ کار خود نظم را مراعات نمی‌کنیم، از قانون بد ما می‌آید و آزادی را مرادف یاغیگری میدانیم، ظاهر پرستی و اعتنا به قشر که روی دیگر سکه نفاق است، عرصه های مختلف ما را رنگ بخشیده، افراد را بر اساس ظاهر شان می‌شناسیم. داشتن فرش قیمتی و وسایل گرانبها و همچشمی های اجتماعی شرم آور و دعوت های مجللی که با سطح زندگانی ما تناسب ندارد، از جمله ویژگی های است که ما را از سایر کشور ها جدا می‌سازد. هم در آزادی خواهی و هم در مزدوری مبالغه می‌کنیم، اگر با روسیه دوستی کردیم، عشق با روسها را معیار افغانیت میدانیم، همانطور که یکی از شخصیت های سیاسی ما گفته بود اگر شعار اخوت اسلامی را بلند کردیم طوق غلامی همسایگان را زیب گردن خویش می‌سازیم و اگر با امریکا دوستی نمودیم، بزرگان مان در کمره های تلویزیون جهانی اعلام می‌کند که نمی‌خواهد بر کشورش بر گردد، زیرا دلش می‌خواهد در امریکا بماند. اینجاست که اقلیت ها و کسانی که زور و قدرت ندارند، همیشه زیر پا میشوند و در صحنه سیاست جای برای شان نیست. این موضوع در هیچ قاموسی از برابری و دموکراسی نیست.

## د: عوامل موانع انکشاف اجتماعی ترکمن ها

یکبار بهتر خواهد بود ترکمن ها به افتخارات و شخصیت های خود از آئینه اجتماعی - فرهنگی بنگرند. ما چنان شخصیت های وافر به علم و فرهیخته داشته ایم و داریم که همه شان در انزوا هستند و سعی میشود به نحوی در انزوا قرار بگیرند. ویک بار هم شده، فراتر از کسانی که در احزاب جنبش و جمعیت فعالیت داشتند بنگرید و با خود قضاوت کنید که آیا هر کدام اونها یکی بهتر از دیگری نبودند. و حقا که هر یک از این شخصیت ها قابل قدر و حمایت استند.

در حال حاضر هر حرکت اجتماعی نیازمند مدیریت و ساختار زمانبندی دارد، چون ساختار ها به عنوان اصل پذیرفته میشود. در راستای مطرح شدن رهبریت، ترکمن های افغانستان بخاطر بسیج مردمی، اجتماعی و سیاسی خویش که کتله بزرگ قومی را در افغانستان تشکیل میدهد تا به حال نتوانستند یک رهبر یا زعیم در افغانستان شکل بدهند تا به عنوان الگو و زعیم خود قبول کنند. ترکمن های افغانستان همیشه بخاطر اختلافات داخلی و یا با مداخلات احزاب دیگر از داشتن رهبر محروم بودند.

1- اقتصاد ضعیف، یکی از عوامل عمده عقب گرد سیاسی - اجتماعی ترکمن ها اقتصاد ضعیف بوده و تا به حال هم در اکثر مناطق ترکمن نشین ترکمن ها بخاطر عدم توجه حکومت با این پدیده دست و پنجه نرم می کنند..

۲- گریز از تعلیم و تربیه، علم و معرفت؛ به علت نداشتن اقتصاد و رهبر مناسب و عدم توجه دولت زمینه تحصیل و تعلیم و تربیه بین آنها به حاشیه کشانیده شده است.

۳- انتخاب غلط، هر آنچه که امروز به سر اقوام ترکمن آمده، از زاده های خود شان می باشد. این انتخاب خود شان بود که همیشه در موضوع انتخابات و یا رهبریت تحت تاثیر اعضای حزب دیگر رفتند و خود را غرق در انحصار قرار دادند. این بزرگترین اشتباه تاریخی شان بود که بار ها تکرار میشد، و در مقابل تمام تحمیلات اجبار سکوت اختیار نمودند.

۴- محدودیت های تنگ شدن ساحه دولتی برای کادر های ترکمن ، مهاجرت ها و بیکاری و بیجا شدگان بیشتر از هر زمانی غافلگیر کننده بود .

## فصل سوم

### نقش ترکمن ها در مشارکت سیاسی و احزاب

#### الف : نقش قوم ترکمن ها در مشارکت سیاسی در افغانستان

در حقیقت قوم ترکمن کدام رهبر مشخصی تا به حال نداشته و عموماً در دیگر احزاب فعالیت نموده اند و یا هم کوشیده اند مستقل عمل کنند. بنائاً ناگزیر برای این که جایگاه ترکمن ها را در مشارکت های سیاسی و ملت سازی مورد بررسی بدهیم، چند نکته ای در اینجا قابل ذکر است.

#### فعالیت های ترکمن ها ( شورای همبستگی اسلامی ترکمن های افغانستان )

ترکمنهای افغانستان کدام حزب مشخص ندارند. عده کثیر از ترکمنها در سایر احزاب اشتراک دارند، حتی میتوان اکثر ترکمن ها در حزب هایی چون حزب

جمعیت اسلامی و جنبش اسلامی به عنوان عضو فعال دریافت، که در بحث بعدی مورد بررسی قرار خواهیم داد. غرض حل مشکلات، شورایی دارند که بنام ( شورای همبستگی اسلامی ترکمنهای افغانستان ) یاد می‌گردد. این شورا در حقیقت محل برگزاری تجمعات و نشست های مردمی برای حل مشکلات مردم بود. از حقیقت نگذیریم شورای ترکمن های افغانستان در زمان انتخابات های ریاست جمهوری بیشتر بازار گرم داشت، اکثر تکت های انتخاباتی بخاطر اخذ رای این ملت مظلوم گرد هم می‌آمدند و به وعده های گرم و نرم تکت های انتخاباتی باور میکردند. قابل ذکر است گاهی اوقات نمی توانستند بعد از برنده شدن تکت انتخاباتی شان صاحب کرسی شوند، و اگر هم میشد، چند تن از نزدیکان رئیس و یا از نزدیکان وکیلان یا سناتوران مقرر میشد. اما آهسته آهسته ترکمن ها از شورای همبستگی اسلامی دوری جستند بخاطر بعضی دلایل، بیشتر ترکمن ها ریاست شورای همبستگی اسلامی ترکمن ها را دوره ای یعنی ولایتی ساختند.

برعلاوه این شورا و خارج از محدوده این شورا چند نهادهای اجتماعی نیز شکل یافته که در عرصه اجتماعی و مدنی فعالیت داشته اند، اکثر جوانان این نهاد ها جوانان نخبه و تحصیل کرده ای بودند و بخاطر گسترش فرهنگ و زبان شان زیاد تلاش به خرج میدادند. مجلات ماهوار و کورس های آموزشی در اولویت برنامه های شان بود تا حدی حس خدمت گذاری داشتند. حقا که احساس و درک شان قابل ستایش بود. نهاد هایی که فعالیت داشتند حتی میتوان گفت تا به حال هم فعالیت دارند ذیلاً ذکر می‌گردد.

1. انجمن فرهنگی ترکمنهای افغانستان بنام مخدوم قلی فراغی،

2. انجمن فرهنگی و اجتماعی آق یول،
3. مجمع مدنی آق یول،
4. انجمن فرهنگی اوغوزلار،
5. انجمن فرهنگی عالم غوشار،
6. انجمن اجتماعی - فرهنگی یورت،
7. انجمن جیحون،
8. انجمن یوپک یولی،
9. انجمن زنان ترکمن

ترکمنهای افغانستان به نسبت فقدان رهبری و مرکزیت نتوانسته اند در جامعه افغانستان ممثل طرحهای سیاسی و اجتماعی گردند. عده کثیر از ترکمنها در تحت رهبری حزب جنبش ملی فعالیت دارند و سده ها در این صف فعالیت داشته حتی جان های شیرین خود را از دست دادند که تمام افتخارات این ملیت در حزب جنبش ملی محدود گردیده است. در بسا موارد حزب جنبش از این ملیت سرباز گیری می نماید که آنها اعضای آن حزب نیستند. اما عده قلیل ترکمن ها در حزب جمعیت فعالیت داشته اند که در بحث بعدی به آنها خواهیم پرداخت.

## جمعیت اسلامی افغانستان

اگر به پیشینه حزب جمعیت اسلامی نگاه کنیم، جمعیت اسلامی از جمله احزاب بنیاد گرای اسلامی و میانه رو بوده که اعضای آن از بین علمای دینی، تحصیل کرده گان مدارس و دانشگاه های دولتی و از فرق صوفی دری زبان یا به طور عامیانه تاجکان تشکیل شد. نفوذ جمعیت اسلامی بیشتر در بین تاجیک های نزدیک کابل و غرب کشور است.

اما دکتور محمد صدیق فرهنگ در مورد کیفیت پیدایش حزب جمعیت اسلامی می نویسد : اما قوی ترین حرکتی در این حزب به میان آمد و در تاریخ کشور نقش موثر به جا گذاشت، نهضت اسلامی بود که آن هم بعد ها به چند شعبه با نام های جداگانه تقسیم شد. این حرکت بار اول در دوره ای صدارت شاه محمود خان از جانب مولوی صاحب قلعه بند در زیر عنوان تحزب الله به راه افتاد و پس از یک دوره در سال 1964 دوباره به نام جمعیت اسلامی افغانستان ظهور نمود. رهبران جمعیت بیشتر از استادان دانشکده شرعیات تشکیل شده بودند، مانند مولوی نیازی، استاد برهان الدین ربانی، استاد سیاف، مولانا منهاج الدین گهیخ، موسس جریده گهیخ، مولوی محمد یونس خالص و مولوی فیضانی وقاضی هدایت نیز از فعالان این حرکت بودند. بنیانگذاران حزب نخست در دانشگاه به کار پرداخته و محصلان را در برابر حرکات مارکسیستی خلق و پرچم و شعله جاوید بسیج کردند. پس از آن تبلیغات شان را در خارج دانشگاه و در اطراف واکناف کشور گسترش دادند. به طوری که خواهیم دید رهبری حرکت ضد کمونیستی را چه در دوره قانون اساسی و چه

در دوره ای جمهوری محمد داود خان به عهده گرفتند و بعد ها در جهاد علیه تهاجم شوروی نقش اساسی ایفا نمودند.

این حزب بعد از انشعاب، یک شاخه ای آن تحت همین عنوان به رهبری پرفیسور ربانی به حیات ادامه داد. در این انشعاب مسئله قومی وزبانی بی تاثیر نبوده است. شاخه ای ربانی بیشتر به قوم تاجیک دری زبان تعلق دارد. این تحزب بعد از سقوط حکومت کمونیستی، وبعد از اینکه آقای ربانی به عنوان ریس دولت موقت تعیین شد، نقش زیادی در تحولات افغانستان داشته است. ربانی در سال 1940 م، 1319 هـ ش در یفتل بدخشان به دنیا آمد. دوره های مقدماتی را در مکاتب داخل کشور و دوره های عالی را در ترکیه و الازهر مصر به پایان رسانید، در دانشگاه کابل در رشته الهیات تدریس کرده است.

جمعیت اسلامی نسبت به سایر ویژگی های بیشتر برای مطرح شدن و حمایت کشورهای خارجی داشت. در صحنه ای داخلی نیز ویژگی هایی داشت که همین ویژگی ها باعث گردید که این حزب بیشتر از دیگران در بین تمامی اقشار ملت طرفدارانی به خود پیدا کند و فرماندهان نام آوری چون شهید عبدالقادر، شهید ذبیح الله، احمد شاه مسعود، طارق، اسماعیل خان، شهید نیک محمد خان هزاره و غیره را به وجود آورد تشکیلات جمعیت باعث می شود که شخصیت های برجسته جهادی ظهور کند. یکی از نخستین قیام های مهم ضد حکومت کمونیستی تره کی که به شدت سرکوب شد، قیام مردم هرات در 14 حوت 1357 بود که جمعیت اسلامی در سازماندهی آن نقش اساسی داشت. در همان مبارزه مسلحانه با کمونیست ها واشغالگران شوروی، به دو جناح تقسیم شد: جناح سیاسی با کمک های محدود به عملیات نظامی به



رهبری برهان الدین ربانی، وجناح - سیاسی به رهبری احمدشاه مسعود که داخل کشور و به نام «شورای نظار» می کرد.

در سال 1367، احزاب جهادی مستقر در پشاور، با حمایت پاکستان و امریکا و عربستان سعودی دو دولت موقت تشکیل دادند. در 29 سنبله همان سال، در دولت تبعیدی اول به سرپرستی احمد شاه احمد زی، فقط دو وزارت داخله (کشور) تعلیم و تربیت و در دولت موقت دوم در 4 حوت به ریاست صبغت الله مجددی سه وزارت اعمار مجدد معادن و صنایع و دعوت و ارشاد به جمعیت اسلامی تعلق گرفت در 19 قوس 1369 به ابتکار احمد شاه مسعود، شورای سراسری فرماندهان جهادی با حضور ده ها تن از زبده ترین فرماندهان جهادی کشور تشکیل شد. پس از آن، حملات مجاهدین با موفقیت همراه شد و سرانجام، حکومت کمونیستی افغانستان سقوط کرد.

پس از سقوط حکومت کمونیستی در 8 اسد 1371، طبق توافق سران مجاهدین در پشاور، دو دوره حکومت موقت در نظر گرفته شد: حکومت موقت اول به مدت دو ماه به ریاست مجددی و حکومت موقت دوم به مدت چهار ماه به ریاست برهان الدین ربانی و صدارت گلبد الدین حکمیتار در خلال این شش ماه باید زمینه انتخابات سراسری فراهم می شد. بر این اساس، در دولت موقت مجددی، ربانی ریس شورای رهبری و احمد شاه مسعود وزیر دفاع شد و دو وزارت هوانوردی و اطلاعات و فرهنگ به جمعیت اسلامی تعلق گرفت. بر اساس توافق پشاور، دوره دوم ماهه ریاست مجددی به پایان رسید و او قدرت را به شورای رهبری سپرد و ربانی قدرت را به مدت چهار ماه به دست گرفت که بعدها 45 روز تمدید شد. شورای حل و عقد که با تلاش ربانی و حامیان

تشکیل شده بود، ربانی را برای دو سال دیگر تا 1373 در مقام ریاست جمهوری تمدید کرد. پس از پایان این مدت، ربانی با پشت سر گذاشتن برخی وقایع ( درگیری خونین با حزب اسلامی برخی دیگر از احزاب به ویژه در کابل، ظهور طالبان، کشته شدن احمدشاه مسعود، حادثه 11 سپتامبر 2001 و سقوط طالبان از قدرت در 1380 تا تشکیل دولت انتقالی حامد کرزی در اواخر نیمه دوم 1380 همچنان ریاست و اداره کشور را برعهده داشت و به ویژه در دوره حاکمیت طالبان، نیروهای جمعیت اسلامی به فرماندهی احمدشاه مسعود عمده ترین نیروهای مقاومت در برابر طالبان بودند. طبق موافقت نامه بن که ایجاد دولت موقت را تصویب کرده بود، جمعیت اسلامی وزارت مهم از جمله وزارت دفاع و خارجه و چند معاونیت و سمت های مهم را در دست گرفت. در اول 1380 نیز برهان الدین ربانی به دولت 9 ساله خود پایان داد و زمام امور را به حامد کرزی سپرد. اعضای جمعیت اسلامی در لویه جرگه (مجلس بزرگان) اضطراری حضوری وسیع داشتند و در دولت 18 ماه انتقالی اسلامی پس از لویه جرگه نیز سمت ها وزارت مهم (وزارت دفاع، خارجه و چند وزارت دیگر) و معاونیت ها و بسیاری سفارت های افغانستان در خارج را از آن خود کردند<sup>20</sup>.

جمعیت اسلامی افزون بر فعالیت های سیاسی، فعالیت های فرهنگی هم داشته و نشریات متعددی به زبان های مختلف در داخل و خارج کشور منتشر کرده است که مشار انهابه بیش از 50 عنوان می رسد و برخی از آنها همچنان منتشر

---

<sup>20</sup> سیرت، سیاوش، نقش ترکتاباران (ترکمن ها) در مشارکت سیاسی افغانستان.

می شوند. پس از ریاست جمهوری حامد کرزی دو حزب از جمعیت اسلامی منشعب شدند: نهضت ملی افغانستان به رهبری احمد ولی مسعود و افغانستان نوین به رهبری محمد یونس قانونی و بعد از ترور ربانی پسرش صلاح الدین ربانی به ریاست حزب برگزیده شد<sup>21</sup>. باید خاطر نشان کرد که بعضی از بزرگان ترکمن های افغانستان در بدنه حزب جمعیت اسلامی به عنوان اعضای کلیدی این حزب فعالیت داشته و به طور موقت در بست های کلیدی دولت ایفای وظیفه می نمودند. و سهم و امتیاز قابل ملاحظه ای را هم داشتند. در کل میتوان گفت این امتیاز دهی ها بخاطر اخذ رای این ملت مظلوم ویا بخاطر اینکه بیان کنند که حزب جمعیت یک حزب همه شمول است و یا میتوان گفت که از روی معرفت شخصی بود.

---

<sup>21</sup> سیرت، سیاوش، نقش ترکتباران در مشارکت سیاسی افغانستان. تهران،

### ج: جنبش ملی اسلامی افغانستان

حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان یکی از پر طرف دار ترین حزبی بود که ترکمن های افغانستان همه دار و ندار خود را فدای این حزب کردند. این حزب به قوم اوزبیک شمال کشور متعلق می باشد. حزب جنبش بعد از آنکه رهبران آن از ارتش حکومت کمونیستی جدا شده و به مجاهدین پیوستند، تاسیس شد که البته در این حزب در کنار اوزبیک ها اقوام دیگر از صفحات شمال از جمله از مردم هزاره نیز در سطح بسیار وسیع در حزب جنبش عضویت داشتند.

نیروهای جنبش در بهار 1371 مزار شریف را به تصرف در آورده و کمی بعد همراه با دیگر گروه های مجاهدین وارد کابل شده، حکومت دکتر نجیب الله را سرنگون و فرودگاه کابل را تحت تصرف خود در آوردند. پس از آن گروه های نظامی مختلف مجاهدین هر یک گوشه از شهر کابل را اشغال کرده بودند و به جنگ با یکدیگر مشغول شدند. جنبش ملی اسلامی ابتدا متحد جمعیت اسلامی افغانستان (به رهبری برهان الدین ربانی و مسعود) بود اما کمی بعد از آنها جدا شده و مدتی هم با حزب اسلامی گلبدین حکمتیار متحد شد، اما در نهایت هر دو گروه از حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان روی گردانیدند، زیرا مخالف این بودند که ازبکان در افغانستان به قدرت برسند. نیروهای جنبش در زمستان 1371 در جنگ با نیروی های جمعیت اسلامی مواضع خود در کابل را از دست دادند، اما با تصرف مزار شریف بخش های بزرگی از شمال افغانستان را در کنترل خود در آورده، جنبش ملی تابستان 1377 مزار شریف را در کنترل خود داشت تا اینکه نیروهای طالبان موفق به تصرف آن شدند، جنبش ملی به رهبری جنرال دوستم پس از این شکست به ائتلاف شمال به رهبری

احمد شاه مسعود برای مقابله با طالبان پیوسته و دوباره با جمعیت اسلامی افغانستان متحد شدند. جنبشی ها از نیرومندترین گروه های ائتلاف محسوب می شدند و در سرنگونی طالبان در سال 2001 نقش موثری داشتند.

پس از تحولات یازدهم سبتمبر و تاسیس دولت حامد کرزی، دومین مجمع جنبش ملی اسلامی افغانستان، با فاصله ای ده سال از جمع اول آن در روزهای 30 و 31 ماه ثور 1381 در شهر مزار شریف برگزار شد. در این گردهمایی از موافقت نامه های بن پشتیبانی به عمل آمد و مرامنامه و اساسنامه ای جنبش بازسازی شد، اما بطور رسمی از آقای دوستم به عنوان رهبر حزب، به خاطر مصلحت های سیاسی ذکری به عمل نیامد و این حزب در سال 1384 نام سید نورالله، در وزارت عدلیه ثبت شد. گفتنی است که در مرام نامه جنبش ملی اسلامی افغانستان، از استقرار قوای حافظ صلح ملل متحد، در شهر کابل و در شهرهای بزرگ دیگر افغانستان حمایت شده است.<sup>22</sup>

ترکمن ها در همه تحولات کشور از بدو تاسیس حزب جنبش اسلامی افغانستان در کنار دیگر اعضای حزب جنبش حضور داشته در همه مبارزات بخاطر آرمان های این حزب جنگیدن، به خصوص در زمان حمله قشون سرخ شوروی بر افغانستان و دوره جهاد و مقاومت اشتراک داشته اند، ترکمن ها در زمینه دفاع از ارزش های اسلامی و از وجب وجب خاک وطن برای حفظ استقلالیت جان های شیرین خود را از دست دادند، و همیشه خود را بدنه نظام در کشور دانسته اند. در حقیقت چه مردانی با قامت بلند، شجاع و با احساس

---

<sup>22</sup> سیرت، سیاوش، نقش ترکتاباران در مشارکت سیاسی افغانستان. تهران، ص، 17،

ترکمن سپهر اشغال این خاک و وطن گردیدند و شهید شدند. ترکمن های که در آن زمان سلاح بر دست داشتند و در برابر دشمن ایستادند و برای آرمان های حزب جنبش اسلامی جان های شان را از دست دادند، چه سپهسالارانی به بهانه های سیاسی از بدنه این حزب برداشته شدند. این مبارزین فقط چند چیز را در فکر خود میپروراندند.

1. ایده های مطلق اسلامی که به چه دیدی کشور عزیزمان اشغال روس ها شود و اسلامیت مان زیر سوال برود.

2. چرا به نوامیس و خاک مان تجاوز شود چون این خانه صاحبانی دارد و این خاک برای معامله نیست.

3. ترکمنها هم همچون دیگر اقوام ساکن در کشور برای استقلالیت و برابری در کشور مبارزه میکردند.

مبارزین و شهیدان ترکمن بخاطر حفظ همه این ارزش ها و ایمان به وطن مبارزه کردند و شهید شدند، جنگ سالاران ترکمن ماه ها حتی سالها در جنگ سپری میکردند از خانه و کاشانه شان بدور بودند نه خطی و نه هم احوالی از زنده بودن این قهرمانان در دست فامیل شان بود. حتی پدرانی بودند که چهره فرزند تازه تولد یافته خود را نمی دیدند، مادران و همسران این راد مردان همیشه دست به دعا بودند که مبادا فرزند مبارز شان را چیزی شود و خواستار پیروزی شان در میدان نبرد میشدند. جسد های شهیدان گاه تسلیم خانواده شان میشد و روز و گاه هم در زمان جنگ دفن میگردید، و این ها مردانی بودند که گاه پیاده و گاه هم سوار اسب در خط نخست جبهات داغ نبرد

میجنگیدند، تا کسانی باشند بخاطر الله و حفظ وطن جان میدهند. اما به آنچه که در آینده های سیاسی در کدام مقام قرار خواهند گرفت و اقوام که خود را اکثریت میدانند چه رویکرد در قبال قوم شریف ترکمن داشته باشند، لحظه ای هم چنین چیزی در ذهن شان خطور نکرده و نمی کرد.

## د: حزب اسلامی

با آن که حزب اسلامی به رهبری دیگر اقوام تشکیل گردیده، اما تعدادی زیادی از قوم ترکمن ها در آن فعالیت نموده است و در ملت سازی و دولت سازی نفع رسانیده است و در مورد سابقه و نحوه تشکیل حزب بیش از هر حزبی اختلافات این حزب جمعیت اسلامی در مورد تصاحب نهضت اولیه اختلاف وجود دارد، هر کدام خود را بنیان گذار نهضت اسلامی به حساب می‌آورند. نخستین موسسان جریان اسلامگرا های دانشجویی، که پایه گذاران حزب اسلامی نیز شناخته می شوند، عبارت بودند از عبدالرحیم نیازی، مولوی نیازی، مولوی حبیب الرحمن، سیف الدین نصرت یار، عبدالقادر توانا، غلام ربانی عطیش، سید عبدالرحمن، گل محمد خان، گلبدین حکمتیار، محمد عمر، عبدالحبیب حنانی و خواجه محفوظ مسرور.

آنان در سال 1348 ش نخستین حلقه دانشجویان مسلمان را پدید آوردند و عبدالرحیم نیازی رهبری این گروه را به دست گرفت. سپس پنج تن با عنوان (شورای رهبری) مسول تنظیم و ترتیب امور مبارزاتی دانشجویان شدند. در سال های 1355 و 1356 ش، میان جنبش اسلام گرایان شکاف ایجاد شد. آن دسته از جوانان مسلمان که مبارزه قهرآمیز با حکومت وقت افغانستان را پیش گرفتند، (حزب اسلامی) نامیده شدند و گروهی که معتقد بودند آمادگی لازم را ندارند و ترجیح می دادند با شکیبایی و نفوذ در ارتش کودتا کنند، (جمعیت اسلامی) نام گرفتند. رهبر حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و رهبری جمعیت اسلامی برهان الدین ربانی بود.



در سال 1358 ش، انشعاب دیگری در حزب اسلامی رخ داد و مولوی یونس خالص با جدا شدن از حکمتیار، حزب دیگری با همین نام (حزب اسلامی افغانستان) ایجاد کرد.

پس از کودتای 1357 در کابل و مهاجرت وسیع مردم افغانستان به پاکستان، حزب اسلامی و سایر احزاب مبارزه موقعیتی مناسب به دست آوردند. سیاست دولت پاکستان مبنی بر اینکه مجاهدین برای ادامه فعالیت جهاد و تنها از طریق یکی از احزاب مستقر در پاکستان می توانند اسلحه و کمک دریافت کنند، باعث شد که آواره گان خواه ناخوا به عضویت یکی از احزاب افغانی مطرح در پاکستان در آیند. اما حزب اسلامی نماینده بخشی از غلزایی های پشتون به شمار می آمد و به لحاظ اجتماعی پایگاه مردمی اش محدود بود، بنابراین نتوانست بصورت حزب فراگیر، سایر شاخه های اقوام پشتون یا سایر اقوام را در بر گیرد. از جمله مسایل که این حزب با آن رو برو شد، درگیری با سایر گروه های مجاهدین بود. در طول دوره جهاد که حزب اسلامی از نظر دسته بندی سیاسی در صف گروه های ائتلاف هفت گانه پشاور قرار داشت، در ظاهر هرگونه مصالحه سیاسی، ازجمله مذاکرات ژینو را رد می کرد. ا نظر نظامی نیز روش خاص خود را پیش گرفت و جز درگیری های مستقیم، به ایتلاف و اتحاد با عناصری از درون حاکمیت روی آورد.

در فرجام حکومت کمونیستی کابل از درون فروپاشید هر یک از رهبران در پی ایتلاف با مجاهدین برآمدند. سران پشتون جناح خلق با حزب اسلامی کنار آمدند و راه ورود مجاهدین حزب اسلامی را به کابل باز و بطور مشترک ارگ

(کاخ ریاست جمهوری)، نخست وزیر، وزارت کشور، وزارت خارجه و سایر مراکز مهم کابل را اشغال کردند.

در پی ورود نیرو های حزب اسلامی به کابل، نیروهای حکومت به احمدشاه مسعود تمایل داشتند، به مقابله با آنان پرداختند. حکمتیار در 10 اسد 1371 شکست خورد و در اطراف کابل مستقر شد. نیروهای حزب اسلامی در پنج جنگ بزرگ و خونین که در کابل روی داد به نحوی شرکت داشتند حزب اسلامی، در اوان پیروزی مجاهدین، با بهانه قراردادن حضور شبه نظامیان وابسته به جنبش ملی- اسلامی شمال به رهبری جنرال دوستم در کابل از مشارکت در دولت مجاهدین اجتناب ورزید، اما دیر نپایید که در 1372 در یک شورای هماهنگی با جنبش ملی- اسلامی شمال و حزب وحدت اسلامی و جبهه نجات ملی، ائتلاف اقدام به عملیات ضد حاکمان کابل کرد.

در سال 1373 ، اوضاع بحرانی کابل و سایر مناطق افغانستان زمینه را برای ظهور گروه جدید، (طالبان) در عرصه سیاسی و نظامی افغانستان فراهم آورد. حذف حزب اسلامی و سپس حزب وحدت اسلامی از جنوب و مغرب کابل به دست طالبان و رویاروی آنان در برابر حکومت کابل باعث شد حاکمان این شهر به حزب اسلامی گرایش پیدا کنند و از آن ها کمک بخواهند .

به همین علت در 6 میزان 1374 رهبری حزب اسلامی مقام نخست وزیری را که دولت کابل پیشنهاد کرده بود، برعهده گرفت و در 9 وزارت خانه نیز به این حزب اختصاص یافت. تا 6 میزان طالبان بر کابل مسلط شدند قدرت در دست حزب اسلامی بود و هنگام آخرین حمله طالبان به کابل ، فرماندهان حزب اسلامی حکمتیار یکی پس از دیگری به طالبان تسلیم شدند. نیروهای احمد

شاه مسعود هم نتوانستند مقاومت کنند، بنابراین رهبران حزب اسلامی به طرف بغلان و قندوز در شمال کشور گریختند.

در مورد مناسبات خارجی این حزب باید گفت رهبران اسلامی که اواسط دهه 1950 به پاکستان پنا برده بودند، با استقبال ذولفقار علی بوتو نخست وزیر وقت آن کشور روبرو شد. و حزب جماعت اسلامی پاکستان به رهبری ابوعلی مودودی و نیز جامعه روحانیت پاکستان به رهبری مولانا مفتی محمود از آنان حمایت کرد.

بطور کلی حزب اسلامی یکی از احزاب قدرتمند جهادی از نظر نظامی بود که در تمام ولایات های افغانستان پایگاه نظامی داشت و مورد حمایت کشورهای پاکستان، امریکا و عربستان بود. اما حکمتیار نه اخوانی میانه رو به حساب می آمد و نه وهابی بود نه هم مانند سیاف بود که اعتقاد از وهابی و پشتون گرایی داشت. اسلام سیاسی حکمتیار اسلام سلفی بود که در قالب جنبش جدید اخوانی یا با مطالعه کتبی از نویسندگان مصری و همراه با استادان مسلمان دانشگاه کابل راه یافته بود و با روحیه سرسخت بومی او سازگاری داشت. او فکر می کرد با دریافت کمک های مالی امریکا و عربستان سعودی حاکمیت افغانستان را به دست آورد، در حالیکه کمک پاکستان به این حزب بدان علت بود که فکر می کرد حزب اسلامی بهترین گزینه برای حاکمیت آینده افغانستان است.

همچنین حکمتیار در ظاهر مخالف ناسیونالیسم بود، لذا پاکستان تصور می کرد قضیه (پشتونستان) و خط مرزی دیورند در آینده حل خواهد شد. از این رو ، پاکستان به حزب اسلامی امید بسیار بود و بیشترین کمک های خارجی

را در اختیار این حزب قرار می داد و افرادش را تربیه میداد، اما حکمتیار به کمک دلار های باد آورده در جنگ نفت خلیج فارس به نفع صدام حسین علیه کسانیکه حزب را تامین مالی می کردند، موضع گرفت و برخلاف میل توصیه ژنرال ضیاوالحق، حاضر نشد هنگام سفرش به سازمان ملل متحد با رونالد ریگان، ریس جمهور امریکا ملاقات کند.

حکمتیار نمی خواست و یا نمی توانست مساعدت امریکا را علنی کند. از این تاریخ سیر کمک های خارجی به این حزب خشک شد و این حزب از رده بیرون شد. پاکستان و متحدانش به دنبال ایجاد بدیل (طالبان) را برای اهداف دراز مدت خود به وجود آوردند پس از آن سیاست حزب اسلامی به تدریج به سوی ایران گرایید وقتی احمد شاه مسعود در کابل با شیعیان هزاره درگیر شد، حکمتیار رقیب او بیش از پیش به ایران نزدیک شد تا جایکه پس از شرکت در اجلاس جوزا 1375 م تهران، در ایران اقامت گزید.

با این حال پس از اجلاس بن در 1380 که به تشکیل حکومتی تحت ریاست حامد کرزی در کابل منتهی شد ونیز ورود نیروهای ایتلاف امریکا و انگلیس و شماری دیگر از کشورهای اروپایی به افغانستان، حکمتیار نتایج اجلاس مذکور و حضور نیروهای خارجی در افغانستان را به شدت محکوم و به طور تلویحی سیاست خارجی ایران را به سبب تایید اجلاس بن و به رسمیت شناختن دولت افغانستان مورد انتقاد قرار داده و خاک ایران را ترک کرد. در همین سال در زمان نیروهای امریکایی به منطقه کوهستانی غار های تورا بورا در شرق افغانستان حکمتیار رهبر القاعده را در این منطقه فرار داد و متعاقب آن، دولت امریکا حزب اسلامی را در زمره سازمان تروریستی قرار داد و دارای هایش

توقیف شد. پس از آن حکمتیار ضمن تمجید از حملات طالبان به نیروهای خارجی با آن‌ها اعلان همکاری کرد و اظهار داشت که در حال حاضر گروه‌های مختلف افغان باید اختلافات شان را کنار بگذارند و مانند دوران مبارزه با روس در برابر حمله امریکا به پا خیزند. دولت افغانستان نخستین بار در 17 دلو 1385 ش از رهبر حزب اسلامی که گفته می‌شود در پاکستان متواری است، خواسته است به برقراری صلح و امنیت در افغانستان کمک کند، اما حکمتیار بارها اعلام کرده است زمانی مذاکرات صلح با دولت افغانستان را آغاز می‌کند که نیروهای خارجی از افغانستان بیرون شوند<sup>23</sup>.

---

<sup>23</sup> سیرت، سیاوش، نقش ترکتباران در مشارکت سیاسی افغانستان. تهران، ص 16

## ه: امید و تحول در آینده سیاسی ترکمن ها

اگر از آینه نفوس بنگریم، ترکمن ها هم از منظر جمعیت و هم از منظر مساحت ارضی بزرگی را در شمال کشور و در مناطق دیگر افغانستان جایگاه وسیعی را صاحب اند. تحولات های پسین، ترکمن ها را به سمت آگاهی اجتماعی و سیاسی وا داشته است. این مردم مظلوم سر انجام مهر اقلیت بودن را شکستانده، آهسته-آهسته خود را از زیر آوار تعصبات قومی سر بیرون می آورند. تظاهرات های گسترده پیسن ترکمن ها بابت اختطاف جوانان ترکمن در ولایت بلخ در دوره حکومت اشرف غنی در حقیقت بسیج مردمی، حس برادری و همدردی این قوم نماد از رسیدن به همدیگر پذیری و عقلانیت سیاسی در کشور بود. صدای عدالت خواهی ترکمن ها از هر سمت و سو شعله در حس همدردی قوم ترکمن در داخل افغانستان و خارج از افغانستان داشت.

: آیه 11 سوره رعد إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ<sup>۲۴</sup>

طبق آیت قرآنی خداوند میفرماید

یک قانون کلی و عمومی را بیان می کند، قانونی که سرنوشت ساز و حرکت آفرین و هشدار دهنده است. که الله متعال می فرماید: خداوند هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر خود قوم خودش را تغییر دهد. طبق فرموده خداوند ترکمن های افغانستان در همه حالات نیاز به بسیج و همدیگر پذیری دارد.

---

<sup>24</sup> قرآن کریم

حرکتی که میتواند از هر نوع بن بست ها بشر را برهاند و به سمت سعادت سوق دهد.

ترکمن ها به عنوان کتله بزرگ قومی در کشور در تشکیل دولت و ملت سازی نقش دارند البته مشکلات اجتماعی، سیاسی که قبلا ذکر شد. که همه عدم آگاهی بین این اقوام و یا موانع از طرف دیگر اقوام میتواند تحولات باعث عدم سهم گیری در حکومت و دولت سازی شود.

فرایند تربیت سیاسی، خرد جمعی یا همان جامعه پذیری سیاسی در قالب رویکردهای برنامه ریزی سیاسی به صورت فعلیت یافته و یا بالقوه می تواند در شکوفا سازی سرمایه های انسانی و اجتماعی، کلید فهم کنش متقابل شهروندان با حاکمیت نظام سیاسی و اجتماعی وقت هر جامعه ای باشد. این رویکرد پویا باعث شکل گیری هویت های فرهنگی- اجتماعی و سیاسی خواهد شد که می تواند مهارت های زندگی را برای نسل دانش پذیر جامعه از جمله در بعد سیاسی با تاکید بر نگرش های عمیق و رفتارهای پایدار سیاسی نهادینه نماید.

بر اساس دستاوردهای برنامه ریزی درسی جامعه پذیری سیاسی بر تاثیر پایدار مشارکت سیاسی و انسجام بخش هر جامعه ای کمک می کند تا درک و فهم نگرش شهروندانش را برای تجزیه و تحلیل جامعه سیاسی ارتقاء بخشد.

وقتی اقوام ها با هم به طور مساوی در سهم گیری سیاسی صورت گیرد دیگر جای برای تضاد های قومی و برتریت ستیزی در بین جامعه کم رنگ می گردد این گونه است که مشارکت رنگ اساسی خود را اخذ نموده و راهی برای ثبات

و برابری بین اقوام و شگوفایی کشور شکل میگیرد. با آن که در بازی های سیاسی خصوصاً مردم قوم ترکمن چندان رونما در عرصه سیاست گذاری ها و سهم گیری ها در عرصه سیاست نداشته است.

اما بنابر عوامل مختلفی قوم ترکمن واقعا در تضاد های قومی و بازی های سیاسی این قوم بار ها مورد سرکوب قرار گرفته با آن که حق شان نظر به نفوس شان در بین اقوام افغانستان است تا یک رهبریت را تشکیل و برای رفای جامعه آدرس مشخص داشته باشند.

اما امید واری هایی نیز وجود دارد تا افغانستان روزی را تجربه نماید تا بتواند هیچ قومی بین از حلقه سیاسی و مشارکت بیرون نبوده و در مشارکت های سیاسی سهیم باشند و از آن جای که برای همه هویدا است قوم ترکمن از جمله اقوامی بومی این کشور به شمار رفته و رنگ و بوی خاک کشور را تشکیل می دهد و از عرصه توسعه اقتصادی و اجتماعی با امکانات کمتر موفقیت های مزیدی را همراه دارند و داشته اند.



## نتیجه گیری:

این رساله بدون جانب داری در مورد پیشینه تاریخی ترکمن ها در افغانستان و چالش های سیاسی آنها در حکومت های پیشین از حکومت مؤقت تا ختم دروان جمهوریت پرداخته شده است. این تحقیق در باره پیشینه تاریخی ترکمن ها در افغانستان و چگونگی رویکرد های سیاسی در باره ترکمن ها پرداخته ، در ضمن برخورد های سلیقه ای در قبال ترکمن های افغانستان بحث نموده است. در حقیقت ترکمن های افغانستان بیشتر از هر زمانی قربانی باز های سیاسی اجتماعی در این مرز و بوم قرار گرفته و در این نوشته به طور صادقانه و بدون جانب داری حقایق بیان شده است. دولت و دولت سازی در کشور همچون افغانستان ربطی به اجتماع و مردم دارد و مردم شکل دهنده دولت و بهترین تصمیم گیرنده سیاسی اقوام است که رول کلیدی را در جامعه بازی میکند .

به هر حال، حالا زمان آن فرارسیده که جوانان تحصیل کرده ترکمن با هم یکجا زیر یک چتر وحدت و همدیگر پذیری گامی به پیش گزارند تا تاریخ گواه پیروزی و پیشرفت های این قوم را با بالندگی حرف بزند. و در هر نظام حاکم باید برای احقاق حقوق شان بریده، از موضوع تعصباتی اقدام بکنند و برای رفاه و همدیگر پذیری در کشور تلاش بکنند. بهتر خواهد بود از تاریخ گذشته سیاسی در افغانستان و مبارزات و جانبازی های سیاسی اجتماعی درس عبرت بگیرند و برای آینده قدم عادلانه و عاقلانه سیاسی بردارند تا کسانی باشند که تاریخ روایتی از مبارزات و تلاش های سیاسی شان را به بالندگی بنویسد که

نسل های آینده ترکمن ها در افغانستان از این پیروزی و مبارزات که در تاریخ و کتاب ها حک و نوشته شده به بهترین شکل درس عبرت بگیرند.

پیروزی و شکوه های سیاسی اجتماعی در وحدت و همدیگر پذیری شکل میگرد و همدیگر پذیری راه را برای رستگاری اقوام میگشاید. نیروی شما در اتحاد شماس. از اتحاد خود پاسبانی کنید. به تاریخ مبارزات خود فخر بورزید و بدانید با اتحاد پیروزی شما در راه است.

## منابع و مآخذ

1. قرآن کریم
2. حدیث شریف
3. راسخ، محمد صالح. (1380). تاریخ و فرهنگ ترکمنها..
4. نیک آیین، امیر. (1350). واژه نامه سیاسی اجتماعی. تهران، انتشارات، حزب توده ایران .
5. قرقین، نور محمد. ( 13 ) سزاوار این نبودیم، کابل،
6. گلی، امین الله. (1366). تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها. تهران، انتشارات علم .
7. خلیل زاد، زلمی. (1395). فرستاده، تهران، انتشارات کتاب کلوله پستی .
8. ایشچی، عبدالمجید. (1387). ترکمن های افغانستان ، انتشارات مخدومقلی فراغی .
9. سیرت، سیاوش. ( 13 ) . نقش ترکتاباران در مشارکت سیاسی افغانستان. تهران، مقاله کنفرانسی
10. دولت آبادی، 137(1، نشرات پژواک صص ۳۴-
11. امینی، محمد کاظم. (1395). تاریخ میمنه. انتشارات آزاد میمنه،

## Abstract

This topic is long and complex, and it requires examining the political challenges of the Turkmen from various perspectives and viewpoints. However, it is not possible to go into detail about the historical background of the Turkmen, their presence in Afghanistan, the governments, and empires they have established worldwide, to clarify the phenomenon of what kind of civilization the Turkmen possess in the region. One of the complex, multifaceted, and undeniable issues that humans experience, largely as a result of their social existence, from the first moment of entering this world until the last moments of their lives, is the process known as socialization.

This includes efforts aimed at flourishing and the full participation of cultural capital and mutual respect principles, as well as cooperation toward an important, all-encompassing goal, and the creation of an inclusive safe space to prepare individuals to fulfill the roles expected in a designed social structure. All of these result from an inclusive culture. Here, the aim of political participation is the involvement of all citizens of a country or state in which they live. However, it is unfortunate that in Afghanistan, for many years, political participation has taken on a different meaning.

This book aims to briefly discuss the political challenges of the Turkmen, their political participation during the terms of Hamid Karzai and Ashraf Ghani, as Turkmen of Afghanistan, in the context of politics. In fact, there has been no research so far on the Turkmen of Afghanistan in the context of politics in the country. This research seeks to examine the political and social challenges faced by the Turkmen of Afghanistan during the administrations of Hamid Karzai and Ashraf Ghani.

In this thesis, efforts are made to discuss the identity of the Turkmen of Afghanistan in the context of politics, their position in political processes, the biased and discriminatory behaviors towards the Turkmen, and their economic and social progress.

